

به مناسبت فرا رسیدن اول ماه مه، روز همبستگی جهانی طبقه کارگر

## طبقه کارگر در جهان کنونی

بر موقعیت طبقه کارگر در جهان کنونی، بخشهایی از سه مقاله مندرج در مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم"، شماره ۱۲ سال ۱۹۸۶ و شماره یک ۸۷ و بخشی از یک مقاله مندرج در مجله "سوسیالیسم: نظری و پراتیک" را برگزیده ایم. بقیه در صفحه ۱۱

که قدرت طبقه کارگر، در همبستگی جهانی او است. طبقه کارگر جهان، سالی دیگر پشت سر گذاشت، و یک سال دیگر به تحقق رسالت تاریخی خود نزدیکتر شد. به مناسبت اول ماه مه، به منظور نگرشی هرچند کوتاه و گذرا

خوش آمدی ای ماه مه! مقدمت بر همه کارگران و زحمتکشان جهان مبارک باد! نام تو، یادآور رزمهای سترگ و افقهای پرشکوه است. رزمهایی به گستره یک دنیا، و افقهایی به روشنی خورشید. شکوه اول ماه مه، در جهانی بودن این روز است، به همانگونه



دوشنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۶۶ برابر ۲۷ آوریل ۱۹۸۷  
بها ۶۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۵۴

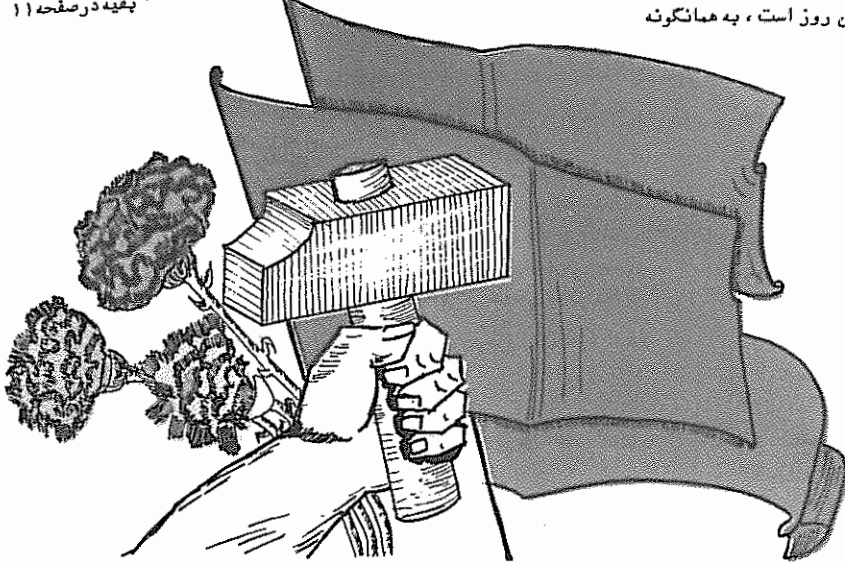
## از رزمندگی طبقه کارگر ایران

ومخفی، چه رعب انگیزا! اکنون ۶۷ سال است که طبقه کارگر ایران، عمدتاً در چنین وضعیتی اول ماه مه را جشن میگیرد. هر رزم این طبقه نیز، چنین عمری گذشته است؛ سالیایی پر از تجربه و تلاش.

رزم طبقه کارگر ایران رزمی است مستمر، پر از پیچ و تاب، یک جاشکوه حماسه را دارد و یکجا آندوه تراژدی را. شادمان می سازد و می گریاند. آه افسوس برمی آورد و آفرین غرور و افتخار، از دل برمی کشاند. از گذشته باید آموخت، اما چرا افسوس برگذاشته، مگر

اول ماه مه فرارسیده است. زمین سرخ سرخ است، آسمان که باید باشد. کارگران پرچم به دست فرا می رسند. با پرچمهایی که خود آن را ساخته اند؛ از خیابانها صف به صف می گذرند - خیابانهایی که خود آنها را ساخته اند؛ طنین شعارهایشان در سرتاسر شهرها می پیچد - شهرهایی که خود آنها را ساخته اند؛ آنان در شعارهایشان از فتح جهان سخن می گویند - جهانی که خود آنها ساخته اند.

در میهن ما اول ماه مه مخفی است، اول ماه مه است



که هم اکنون پیش می برد، بر این منزلت دست یافته است. به مناسبت فرا رسیدن روز این طبقه، بر مسیر رزم آن در ایران، نظر کوتاهی می افکنیم. دز صفحه ۷

خود، نه صرفاً به خاطر این که همه فشارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در درجه اول بر روی آن تمرکز یافته اند، بلکه از طریق آنچه که عملاً از خود نشان داده است و مبارزه ای

آینده از آن این طبقه نیست؟ از آن این طبقه زنده، پیونده و رزم آور. مبارزه طبقه کارگر ایران، قلب مبارزات توده ای است. این طبقه نه صرفاً به خاطر جایگاه تاریخی

## جنگ آشکار شیمیایی: هدف دو رژیم جنایتکار ایران و عراق

کاربرد آن از سوی عراق و به دلیل وژش باد بسوی مواضع آنها خواند و در پایان تاکید کرد که "ایران خود را محق می داند که مقابله به مثل کند". همزمان با این اظهارات، سخنگوی ستاد تبلیغات جنگ نیز در همین رابطه، ضمن تکرار حرفهای رجایی خراسانی، هشدار داد که "چنانچه این سازمان هیچگونه اقدام عملی در بازداشتن رژیم عراق در استفاده گسترده از سلاحهای شیمیایی بعمل نیاورد، جمهوری اسلامی حق طبیعی خود می داند که با استفاده از همه امکانات با دشمن برخورد قاطع بکند". بقیه در صفحه ۵

جمهوری اسلامی در سازمان ملل طی مصاحبه ای با صدای رسیمای جمهوری اسلامی، این تصمیم را "شکفت انگیز" و ناشی از مداخله "عوامل مغرض در این سازمان" خواند. وی ضمن ابراز نگرانی از سفر هیات اعزامی سازمان ملل گفت: چون سازمان ملل موضع بی طرفانه در جنگ ایران و عراق ندارد، راه اقدام به اعزام هیات بدین منظور نموده است و این از نظر اخلاقی مورد اعتراض ما است. رجائی افزود: "نمی توان پیش بینی کرد نتیجه اعزام این هیات ما چه خواهد بود." رجایی خراسانی اینبار نیز، انتشار گزارهای سی در مواضع عراقیها را ناشی از

رژیم عراق، با تسلیم گزارشی به سازمان ملل متحد، جمهوری اسلامی را به استفاده از گازهای شیمیایی در جبهه های جنگ متهم کرد. در این گزارش گفته شده است که ۱۶ روستای عراقی در شرق استان اربیل و شمال استان اخیراً هدف بمبارانهای شیمیایی ایران قرار گرفته اند. بر پایه گزارش عراق، سازمان ملل تصمیم به اعزام دوهیات به دو کشور ایران و عراق بمنظور بررسی کاربرد سلاحهای شیمیایی گرفته است. در پی تصمیم سازمان ملل مبنی بر اعزام هیاتی به ایران، رجایی خراسانی نماینده دائمی

### در این شماره

- بیانیه سندیکای عمومی کار (فرانسه) علیه سرکوب و اختناق در ایران در صفحه آخر
- در سالی که گذشت میلیونها کارگر بیکار ماندند در صفحه ۶
- جهان در همبستگی با زندانیان سیاسی ایران در صفحه ۲
- مرحله ای جدید در همکاری رژیم های ایران و ترکیه علیه پناهندگان در صفحه ۱۴

## فرخنده باد اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران!

# جهان در همبستگی با زندانیان سیاسی ایران

بدنبال فعالیت های افشاگرانه فداییان خلق در سطح جهان در طی هفته های اخیر، موجی از همبستگی با فداییان در بند و تمامی زندانیان سیاسی ایران، در کشورهای مختلف برپا شده است.

احزاب، سازمانها، سندیکاها و شخصیت های بسیاری با صدور بیانیه، امضای طومارهای اعتراضی، ارسال تلگرام برای مجامع بین المللی و مسئولین جمهوری اسلامی و هم چنین صدور پیامهای همبستگی برای سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) تفرق خویش را از رژیم سفاک خمینی و حمایت خویش را از زندانیان مبارز اعلام داشته اند.

در شماره گذشته "اکثریت" اسامی تعدادی از احزاب، سندیکاها و شخصیت های ایتالیایی را که به حمایت از زندانیان سیاسی ایران و فداییان در بند برخاسته اند درج کردیم. در این شماره اسامی برخی از سازمانها و شخصیت هایی را درج می کنیم که در کشورهای یونان، دانمارک، هلند، فرانسه، بریتانیا و سوئد از زندانیان سیاسی ایران اعلام پشتیبانی کرده اند. گونه گونی مسلکی، طبقاتی و ملی کسانی که به حمایت از پیشروان جنبش انقلابی ایران برخاسته اند، گواه بی بدیلی از رسوائی جهانی رژیم منحرف خمینی است.

## یونان

- ۱- دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان و رئیس کل کنگره اسپون کارگران یونان
- ۲- شورای مرکزی سازمان جوانان کمونیست یونان
- ۳- حزب کشاورزان یونان
- ۴- دبیر اول حزب سوسیالیست متحد یونان و نماینده مجلس این کشور
- ۵- معاون رئیس جنبش دمکرات مسیحی یونان
- ۶- سندیکای کارگران ساختمانی یونان

## دانمارک

- ۷- دبیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست دانمارک
- ۸- فریدی مادیرن عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست دانمارک و مسئول حزب در بولند مرکزی
- ۹- گرت پیترس، دبیر کل حزب سوسیالیست خلقی (SF)
- ۱۰- اتحادیه کارگران اشیاء و تجارت دانمارک
- ۱۱- اتحادیه حروف چین های دانمارک
- ۱۲- اوله آندرسن، رئیس اتحادیه نقاشان دانمارک
- ۱۳- شهردار شهر اسکانهورگ
- ۱۴- جنبش چپ انقلابی شیلی (میر) - دانمارک
- ۱۵- مسئول حزب ملی پاکستان - دانمارک
- ۱۶- حزب سوسیالیست کردستان ترکیه - دانمارک
- ۱۷- مسئول کنگره ملی آفریقا - دانمارک (آرهوس)
- ۱۸- مسئول حزب کمونیست شیلی - دانمارک (آرهوس)
- ۱۹- مسئول حزب سوسیالیست چپ و استاد دانشگاه آرهوس
- ۲۰- مسئول حزب سوسیالیست شیلی - دانمارک (آرهوس)
- ۲۱- حزب کمونیست عراق - دانمارک
- ۲۲- مسئول حزب کمونیست ترکیه - دانمارک
- ۲۳- دفتر نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) - دانمارک
- ۲۴- جنبه دمکراتیک برای آزادی فلسطین - دانمارک
- ۲۵- لوره پیترسون، مسئول اتحادیه بنایان در آرهوس
- ۲۶- اتحادیه کارگران فلسطین - دانمارک
- ۲۷- دورته هلسنر مسئول سازمان جوانان کمونیست در بولند مرکزی - دانمارک

- ۲۸- اتحادیه کارگران کردستان ترکیه در دانمارک
- ۲۹- انجمن دانشجویان کرد در اروپا - شاخه دانمارک
- ۳۰- کریستین تاروپ، عضو کانون هنرمندان برای صلح - دانمارک
- ۳۱- سازمان هفون برهن الملل در اسکانهورگ
- ۳۲- اتحادیه کارگران متخصص در بالانموب

## هلند

- ۳۳- حزب کمونیست هلند
- ۳۴- حزب کارگر هلند
- ۳۵- حزب رادیکال های مترقی
- ۳۶- حزب سوسیالیست های صلح طلب
- ۳۷- سازمان جوانان سوسیالیست
- ۳۸- اتحادیه عمومی جوانان هلند
- ۳۹- سازمان جوانان حزب رادیکال های مترقی
- ۴۰- جنبش زنان هلند
- ۴۱- کمیته زنان هلندی برای صلح و دمکراسی
- ۴۲- اتحادیه نویسندگان هلندی
- ۴۳- لیگ سراسری برای حقوق بشر (در کشورهای جهان سوم)
- ۴۴- زنان برای صلح
- ۴۵- حزب کمونیست عراق - هلند
- ۴۶- حزب سوسیالیست شیلی - هلند
- ۴۷- کمیته زنان اشد و نژادباپی
- ۴۸- اتحادیه دانشجویان عراقی - هلند

## فرانسه

- ۴۹- هلی باتا دبیر کل حزب ترقی و سوسیالیسم در مراکش
- ۵۰- بیانریک ریبو، عضو مشاور کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه
- ۵۱- ادیپ دیوتری نماینده چپ حزب
- ۵۲- فادر دیباب، نماینده جنبش ملی لبنان - فرانسه
- ۵۳- نماینده حزب کمونیست عراق - فرانسه
- ۵۴- احوالی احمد نماینده حزب کمونیست لبنان در فرانسه

## بریتانیا

- ۵۵- حزب کمونیست بریتانیا
- ۵۶- سازمان ضد امپریالیستی لیبر اسپون
- ۵۷- کمیته دفاع از حقوق مردم ایران
- ۵۸- اتحادیه ملی دانشجویان در لندن
- ۵۹- انجمن دانشجویان کرد
- ۶۰- انجمن دانشجویان عراقی
- ۶۱- استنر نیوٹن، عضو پارلمان اروپا

## سوئد

- ۶۲- حزب کمونیست های چپ سوئد
- ۶۳- حزب کمونیست پاکستان - سوئد
- ۶۴- جنبه دمکراتیک برای آزادی فلسطین - سوئد
- ۶۵- کمیته صلح سوئد
- ۶۶- سازمان جوانان حزب کمونیست های چپ سوئد
- ۶۷- سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری سوئد

# گسترده تر باد مبارزات مردم ایران و جهان برای آزادی زندانیان سیاسی!

# به نقض حقوق بشر در ایران پایان دهید!

## زندانیان سیاسی ایران را آزاد کنید

نیروهای مترقی و آزادیخواه در دانشمارک با امضای متن زیر به دفاع از جان زندانیان سیاسی ایران برخاسته اند.

"مایه تاسف و انزجار ماست که هنوز در قرن بیستم انسان‌های سفاکی چون خمینی... پیدا می‌شوند تا در حق ملت آزاده ایران و فرزندان راستین آن از جمله فداییان خلق، اینهمه جنایت مرتکب گردند.

ما مطمئن هستیم که مبارزات متحد و یکپارچه زحمتکشان و خلق‌های ایران تحت رهبری جبهه‌ای از نیروهای مترقی بویژه فداییان خلق می‌تواند رژیم ضد بشری خمینی را چون رژیم گذشته سرنگون کند.

مادستگیری، شکنجه و اعدام انقلابیون ایران بویژه فداییان اسیر را شدیداً محکوم کرده و خواهان آزادی کلیه زندانیان سیاسی ایران هستیم."

## جنایات بیشتر مانده خمینی

کرت پترس، رهبر حزب سوسیالیست خلق دانشمارک (SF) در پیامی به فداییان خلق نوشته است:

"مادستگیری، شکنجه و اعدام اعضای سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را محکوم می‌کنیم. شکنجه زندانیان سیاسی یکی از جنایات بیشترمانده‌ای است که به دستور خمینی انجام می‌گیرد. ما خواهان آزادی کلیه زندانیان سیاسی ایران هستیم.

ما همچنین حمایت خود را از نیروهای مترقی و دمکرات ایرانی در راه سرنگونی رژیم خمینی اعلام نموده و آنها را به وحدت و همکاری با یکدیگر فرا می‌خوانیم، چرا که این تنها راه‌هایی از استبداد مذهبی و یگانه راه برای آزادی و دمکراسی در ایران است."

## در دفاع از مبارزین دمکراسی و عدالت اجتماعی

نمایندگان چند حزب و سازمان سیاسی و فرهنگی منجمله حزب کمونیست فرانسه در رابطه با یورش گسترده رژیم به سازمان ما طومار زیر را امضا کرده برخاسته‌های مندرج در آن تاکید نمودند:

"ضمن محکوم نمودن دستگیری و شکنجه فریب هزار تن از اعضا و هواداران سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، ما امضاکنندگان نهایت تکرانی خود را در قبال خطر مرگی که جان این میهن پرستان مقاوم و شجاع و مبارزین دمکراسی و عدالت اجتماعی را تهدید می‌کند، ابراز می‌کنیم. ما خواهان توقف فوری تجاوز به بدبیبی‌ترین حقوق انسانی و دمکراتیک در ایران هستیم.

ما خواهان اعزام یک هیئت تحقیقاتی به سرپرستی سازمانهای بین‌المللی دفاع از حقوق بشر و ارگان‌های صلاحیتدار سازمان ملل متحد به ایران هستیم. این هیئت وظیفه تحقیق نسبت به تخطی و زیر پا گذاشتن مفاد مصوبات کنوانسیونهای بین‌المللی، که ایران از امضاکنندگان آنها می‌باشد، را بعهده خواهد داشت. ما خواهان آزادی زندانیان سیاسی در ایران هستیم.

## از گذشتار زندانیان سیاسی جلوگیری کنید

حزب سوسیالیست متحد یونان، حزب کشاورزان یونان و حزب جنبش دمکرات مسیحی یونان هر یک تلگرام اعتراضی جداگانه‌ای برای سفارت جمهوری اسلامی در آتن ارسال کردند. در این تلگرام‌ها ضمن اشاره به دستگیری‌های وسیع و شکنجه‌های غیرانسانی مبارزین سیاسی ایران و از جمله فدائیان خلق (اکثریت)، نسبت به سرنوشت دهها هزار زندانی سیاسی ابراز تکرانی شده است. این احزاب خواستار پایان دادن به سرکوب مخالفین سیاسی در ایران شده اند.

کمیته بین‌المللی همبستگی با دمکرات‌های ایران در یونان نیز در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل و کمیته حقوق بشر این سازمان نوشته است: "رژیم تشوکراتیکی ایران اصول و قواعد منشور سازمان ملل متحد و حقوق بشر را زیر پا می‌گذارد."

طی هفته‌های اخیر در پشتیبانی از زندانیان سیاسی ایران و حمایت از فداییان دربند، بیانیه‌ها، پیامها و نامه‌های بسیاری از سوی احزاب و سازمانهای مختلفی تهیه و انتشار یافته است. تمامی آنها مشحون از همبستگی با مردم ایران و بیانگر انزجار جهانی نسبت به جنایاتی است که در زندان‌های ایران صورت می‌گیرد.

## نامه حزب کمونیست یونان

### به خاطر بپرزد و کوشیا رد بپر کل سازمان ملل متحد

عالیجناب

طبق اطلاعاتی که از سوی سازمانهای مترقی ایران دریافت کرده‌ایم، جنایات تازه‌ای در زندان‌های ایران وقوع یافته است، از جمله موارد آن شیدا بهزادی عضو جنبش زنان از شهر اصفهان و مسعود حجتی... می‌باشند.

از شما تقاضا می‌کنیم همه کوشش‌های خود را برای وارد آوردن فشار بر مقامات ایرانی جهت جلوگیری از شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی بکار گیرید! با احترام کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان

## تلگرام کنگدر اسپون کارگران یونان به سفارت ایران

کنگدر اسپون کارگران یونان برخورد رژیم ایران در قبال اعضای سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را بانگرانی دنبال می‌کند، و اعتراض شدید خود را نسبت به دستگیری و شکنجه آنان اعلام می‌دارد.

ما خواستاریم که هزار عضو دستگیر شده سازمان فداییان خلق را فوراً آزاد کنید و برای حقوق انسانها و دموکراسی احترام قائل شوید.

دبیر اول کنگدر اسپون و رئیس کل کنگدر اسپون

## از سازمان جوانان حزب کمونیست یونان به سفارت ایران

به سفارت ایران در آتن

شورای مرکزی سازمان جوانان کمونیست یونان اعتراض خود را نسبت به موج جدید دستگیری‌ها و تکرانی نسبت به خطری که جان آنها را تهدید می‌کند، بیان می‌دارد.

ادامه بیکرد، شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی همیشه با خشم افکار عمومی جهان همراه است.

از شما می‌خواهیم این بیکردها، این شکنجه‌ها و این اعدام‌ها را متوقف کنید و آزادی‌های دموکراتیک را به مردم بازگردانید و چنگ ایران و عراق را متوقف کنید!

آتن - ۲۰ مارس ۱۹۸۷ شورای مرکزی سازمان جوانان یونان

## نامه اعتراضی به خامنه‌ای

در نامه‌ای خطاب به رئیس جمهور رژیم خمینی که به امضای کمیته صلح سوئد و سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری سوئد رسیده، چنین می‌خوانیم:

"ما از طریق نمایندگی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در اروپا، در تاریخ ۲۰ مارس ۸۷ مطلع شدیم که حکومت شما در خلال تابستان ۸۶، حدود ۱۰۰۰ نفر از اعضا و هواداران سازمان را دستگیر کرده است. این اطلاعات همچنین در تاریخ ۱۸ مارس ۸۷ از طریق رادیوی دولتی ایران اعلام شده بود.

از اطلاعات مطبوعاتی چنین برمی‌آید که کلیه دستگیرشدگان به شدت شکنجه شده‌اند. تعدادی تاکنون در اثر شکنجه کشته و بسیاری نیز به شدت مجروح گردیده‌اند. از میان کشته‌شدگان می‌توان نام خاتم شیدا بهزادی عضو سازمان و از فعالین جنبش زنان در اصفهان، و مسعود حجتی عضو سازمان و یکی از مسئولین سازمان در استان گیلان را نام برد. ما... بیکرد، شکنجه و قتل افراد زندانی را به شدت محکوم می‌کنیم و از شما می‌خواهیم... زندانیان سیاسی در ایران بی‌درنگ آزاد شوند."

## ۷۰ درصد نمرات اعزامی بسیج به جبهه دانش آموز بودند

کارمندان به مناسبت روز جهانی کارگر (!) است. قرار است بیش از ۶۰ گردان کارگری و کارمندی از سراسر کشور در این روز به جبهه‌ها اعزام شوند. گفته شده است هر یک از این گردان‌ها ۲۰۰ نفره است و همین گردانهای کارگری بخشی از ۱۵۰۰ گردانی است که در سال جاری راهی جبهه خواهند شد. رحمانی افزود که برای گردآوری هر چه بیشتر نیرو از میان کارمندان و کارگران، طی ۸ ماه گذشته حدود ۲۸۰۰ مرکز بسیج در واحدهای کارمندی و کارگری تاسیس شده است.

لازم به یادآوری است که هفته گذشته سرپرست بسیج رقم نیرومایی را که سال گذشته به جبهه فرستاده شدند ۵۰۰ هزار نفر ذکر کرد. وزیر آموزش و پرورش اعلام نمود که ۶۵ تا ۷۵ درصد این نیم میلیون نفر را دانش آموزان تشکیل می‌دادند.

## طرح بیک کنفرانس بین المللی برای تنش زدایی در خلیج فارس

مشابهی نیز از دولت آمریکا شده است. به گزارش خبرگزاری آلمان فدرال، اتحاد شوری به درخواست کویت پاسخ مثبت داد و سه نفتکش شوری در اجاره دولت کویت درآمده‌اند.

در همین حال ولادیمیر پتروسکی، قائم مقام وزیر خارجه شوری به کویت سفر کرد. وی پیشنهاد تازه رهبری دولت شوری، مبنی بر برگزاری یک کنفرانس بین المللی جهت تضمین آزادی کشتی رانی در خلیج فارس و یافتن راهی برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق را به مقامات کویتی ارائه کرد.

## رضا کاشانی سرمایه دار معروف در تهران

با کمک روحانیون بانفوذ با امیدواری اقداماتش را برای رفع توقیف از بقیه اموال خود، دنبال می‌کند.

در همین حال در مجلس در روز ۱۸ فروردین پیرش هائی پیرامون وضعیت املاک مصادره شده عده‌ای از سرمداران رژیم سابق و از جمله علم (وزیر دربار شاه) در استان خراسان طرح کردید. مستمسک طرح این مساله در مجلس فقدان هرگونه گزارشی از چگونگی مصرف سوده‌های سرسام آور حاصله از این املاک است. در همین جلسه مجلس اعلام شد که این املاک بگونه‌ای بلامنازع در اختیار حجت الاسلام طبیبی نماینده، خمینی در خراسان قرار دارد و همه سوده‌های حاصله منحصر در اختیار وی قرار می‌گیرد.

## کارنامه یکساله وزارت آموزش و پرورش

طی هفته گذشته اعزام نیرو به جبهه‌های جنگ در ابعادی گسترده تحت عنوان سپاهیان "صاحب الزمان" ادامه یافت. هم‌زمان با گسیل این سپاهیان، تبلیغات و اقدامات عملی در تهران و شهرستانها نیز به منظور گردآوری هر چه بیشتر گوشت دم توپ صورت گرفت. ژاندارمری جمهوری اسلامی با صدور اطلاعیه‌ای از متولدین سالهای ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ خواست که "برای انجام خدمت دوره ضرورت" خود را به یادگانه‌ها معرفی کنند تا ترتیب اعزام آنان به جبهه‌ها داده شود. رحمانی سرپرست بسیج پاسداران در مصاحبه مطبوعاتی که روز چهارشنبه از رادیوی جمهوری اسلامی پخش گردید، از اعزام نیرو، طی دو نوبت در نیمه اول اردیبهشت ماه خبر داد و گفت که این اعزام‌ها، شامل مرحله دوم اعزام نیروهای "صاحب الزمان" و اعزام مخصوص کارگران و

بدنبال تشدید تنش در آبراه‌های خلیج فارس، دولت کویت رسماً از اتحاد شوری درخواست کمک کرد. دولت کویت درخواست کرد که در زمینه حمل نفت از این آبراه‌ها به وی کمک شود. در این آبراه‌ها از تابستان سال گذشته تاکنون حداقل ۱۵ نفتکش کویتی مورد حمله هواپیماهای نظامی ایران قرار گرفتند. تنش موجود در خلیج فارس و تنگه هرمز بدنبال استقرار موشک‌های زمین به دریا توسط رژیم جمهوری اسلامی در ساحل تنگه هرمز و تهدید به حمله به ناوگان تجاری و تانکرهای نفتکش از سوی این رژیم، شدت گرفته است. از سوی کویت تقاضای

در تهران اعلام شد که میلیاردر معروف، رضا کاشانی اخوان، برای بازپس گرفتن بقیه اموال خود و همچنین تصاحب ساختمان اصلی فروشگاه بزرگ کوروش که دو هفته پیش توقیف شد و به تملک بانک ملی درآمد، فعالیت دامنه‌داری را با کمک عوامل با نفوذ جمهوری اسلامی آغاز کرده است.

رضا کاشانی اخوان سرمایه‌دار بزرگ و از نزدیکان رژیم سابق و صاحب فروشگاههای زنجیره‌ای کوروش است. وی پس از انقلاب به مدت ۲ سال متواری بود و در سال ۶۰، برای بدست گرفتن اداره اموال سابق خود، در محافل علنی ظاهر شد. کاشانی همان موقع با حمایت دولت بسیاری از اموال و املاک مصادره شده خود را بازپس گرفت. وی اکنون

کاظم اکرمی وزیر آموزش و پرورش روز دوشنبه ۲۴ فروردین طی گفتگویی با مطبوعات عنوان کرد که

"بررسی تغییر نظام آموزشی در سالجاری یکی از مسایل مهم آموزش و پرورش است که با شدت و قوت تمام پیگیری خواهد شد." وی گفت سال گذشته اهداف، اصول، برنامه‌ها و مقاطع تحصیلی نظام جدید آموزشی در شورای ذیربط مورد بحث قرار گرفت. مادر اکثریت شماره ۱۴۹۹ رؤس این طرح را منتشر کرده‌ام.

## نخست وزیر:

## در جمهوری اسلامی فقر افکار تر شده اند

موسوی، نخست وزیر جمهوری اسلامی، روز سه‌شنبه ۲۶ فروردین در "سومین سمینار اسلام و مستضعفین" که در قم برگزار گردید، در مورد توزیع درآمدها در کشور اعلام نمود: "مقایسه‌ای که بین سالهای ۵۶ و ۶۲ و ۶۳ انجام شده نشان دهنده نابرابری درآمدهای افشار کشور است. این آمار - توزیع درآمدها - نشان می‌دهد نسبت سهم ۱۰ درصد از ثروتمندترین خانواده‌ها به ۱۰ درصد از فقیرترین خانوارها در سال ۶۵، سی و دو برابر بوده است."

نخست وزیر رژیم خمینی در ادامه سخنان خود در این سمینار در کمال وقاحت اعتراف کرد که در حکومت فقها فقر افکار تر شده‌اند. وی گفت: "در رابطه با سهم ثروت گروههای مختلف در کشور آمار نشان می‌دهد که سهم ۱۰ درصد فقرا در سال ۶۵ از درآمدها ۱/۲۱ درصد بوده است که بعد از انقلاب متأسفانه فقیرتر شده و این سهم به ۱/۲۶ درصد رسیده است." موسوی افزود که در رژیم جمهوری اسلامی برنامه‌ریزی و سیاست موجود، این امکان را بوجود آورده است که: "عده‌ای هر روز غنی‌تر شوند و عده‌ای دیگر هر روز ضعیف‌تر..."

موسوی تأکید کرد نرخ تورم در کشور سرسام آور است و "هنگامی که تورم هست فقیرها فقیرتر و غنی‌ها غنی‌تر می‌شوند." وی در بخش دیگری از سخنان خود، یادآور شد که علیرغم وضع موجود و شرایط مساعد برای ۱۰ درصد فقرا و ثروتمند جامعه، هنوز هم "جریان روحانیت" بیش از همه از "عدم توجه" و سلب آزادی فردی این ۱۰ درصد و در نتیجه تغییر ماهیت حکومت اسلامی ترس دارد!

بازتاب سخنان موسوی (که در حقیقت سند رسمی محکومیت رژیم است) در مطبوعات دولتی، واکنش هائی در سطح بالای مسئولین حکومتی پدید آورد و بدنبال آن روابط عمومی نخست وزیر طی اطلاعیه‌ای ادعا کرد که در نقل گفته‌های نخست وزیر در مطبوعات بی‌دقتی صورت گرفته است!

## از میان دیگر رویدادها

● کیهان ۲۲ فروردین - قیمت سیگار "تیر" از روز یکشنبه ۲۲ فروردین افزایش یافت و بهای دولتی توزیع آن از طریق عاملین مجاز، هر بسته ۲۰۰ ریال برای مصرف کننده اعلام شد.

لازم به یادآوری است نرخ رسمی قبلی هر بسته سیگار تیر ۲۴۵ ریال بود که در بازار آزاد تا ۵۰۰ ریال معامله می‌شد.

● کیهان ۲۲ فروردین - قیمت رسمی هر بطر نوشابه گازدار برای فروشنده ۴۵ ریال و برای مصرف کننده ۴۸ ریال اعلام شد. روزنامه کیهان در مورد علت تغییر قیمت نوشابه نوشته است: "پس از تماس با مقامات مختلف کسب اطلاع شد که بدلیل قلع سهمیه ارزی کارخانجات تولید کننده نوشابه‌های گازدار و الزام آنان به استفاده از ارز آزاد و دیگر ارزهایی که از طریق صادرات عاید می‌شود و همچنین حذف سوبسید شکر تحویلی به این کارخانجات و افزایش مالیات دریافتی از هر بطر نوشابه گازدار، در قیمت این نوع نوشابه‌ها تغییرات جدیدی بوجود آمده است."

وزیر آموزش و پرورش در بی‌سخنان فوق، به فعالیت‌های انجام شده توسط این وزارتخانه در ارتباط با جنگ طی سال گذشته اشاره کرد و گفت: "حدود ۱۲۰ هزار نفر از معلمان و دانش‌آموزان... به جبهه اعزام شدند بطوریکه ۵۰ درصد از نیروهای لشکریان حضرت محمد و بیشترین نیروی سپاه حضرت مهدی را دانش‌آموزان و فرهنگیان تشکیل می‌دادند." اکرمی همچنین افزود که آموزش و پرورش ۸۸۰۰ نفر از معلمان را نیز به پشت سنگرهای جبهه اعزام کرده است.

## از فاجعه «انقلاب فرهنگی» هفت سال گذشت

در روزهای پایانی فروردین سال ۵۹ یورش قدره بندگان وقمه کسان حکومتی به دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور آغاز شد. این یورش که تحت عنوان «انقلاب فرهنگی» و «تغییر بنیادی نظام آموزشی» صورت پذیرفت، تعطیلی کلیه موسسات آموزش عالی کشور را به مدت سه سال و نیم در پی داشت. ما تا کنون طی مقالات گوناگون وضعیت اسفبار کنونی دانشگاهها و فجاجیع فرهنگی «انقلاب فرهنگی» را تشریح کرده ایم. در هفتمین سالگرد این فاجعه برای بزرگداشت مبارزه و قهرمانیهای پیشگامان و دیگر دانشجویان انقلابی و برای تشریح جنایات عوامل رژیم خمینی، گزارشی از یورش به دانشگاه اهواز را درج می‌نماییم. این گزارش از شماره ۵۷ نشریه کار منتشره در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۹ برگرفته شده است. قابل تاکید است که در یورش مزدوران خمینی به دانشگاههای گیلان، تهران و تربیت معلم نیز جنایات مشابهی بوقوع پیوست.

«... اکنون یک هفته است که اهواز در تب جنایات باندهای سیاه می‌سوزد. جنایاتی که به جرات میتوان گفت کم نظیر و بیسابقه است. جنایاتی که تحت عنوان «انقلاب فرهنگی» صورت می‌گیرد.

دادگاه انقلاب، تالار شهرداری، زندان کارون، مراکز کمیته‌ها، کمیته صحرایی، گاراژ پشت بیست و چهارمتری، کارآموزی زرگان چلکی تبدیل به زندان، شکنجه‌گاه و کشتارگاه صدها دانشجو، دانش آموز و دیگر مردم مبارزی شده است که از دانشگاه به مثابه یک سنگ مبارزه ضد امپریالیستی و به مثابه یک سنگ آزادیخواهی دفاع می‌کنند.

### چگونگی فجاجیع درد دانشگاه اهواز

«... جنتی امام جمعه اهوازی اعلامیه‌ای در تاریخ ۲ اردیبهشت ماه اعلام می‌کند که مراکز دانشجویی دانشگاهها تخلیه شده و مردم را به برگزاری نماز در دانشگاه اهواز دعوت می‌نماید. ... پس از برگزاری نماز جنتی شروع به خنثی و تحریک جمعیت می‌کند. در این هنگام گروهی یورش می‌آورند و دانشجویان را زیر باران سنگ می‌گیرند. این حمله با مقاومت دلورانه دانشجویان روبرو شده و باندهای سیاه و اداری به عقب نشینی می‌شوند. به یکباره صدای گلوله‌های کلت و ژ - ۲ از گوشه و کنار بلند می‌شود. پاسداران که از قبل آماده شده بودند اکنون بر روی صفوف دانشجویان بی‌سلاح که سرشار از عشق به خلق و ایمان به پیروزی هستند، شلیک می‌کنند. ... بلافاصله بعد از تیراندازی پاسداران، دستگاههای تبلیغاتی و رادیو نیز دست به تهیه

وسیع مردم می‌زند. رادیو اهواز اعلام می‌کند که دانشجویان با تیربار به صفوف نمازگزاران حمله کرده‌اند و پیام جنتی را می‌خواند که از مردم اهواز کمک می‌خواهد. ... جنتی و غرضی به مردم می‌گویند که در ستاد پیشکام عکس‌های شاه وفرح و آموزگار را پیدا کرده‌اند. این نمونه‌ها بیش از هر چیز استیصال و ورشکستگی سیاسی آنان را می‌رساند.

در سه شنبه سیاه اهواز جنایات بی‌شماری انجام گرفت. عده‌ای را وحشیانه با چوب و میله آهنی می‌زدند تا جایی که دانشجویان غرق در خون به حال اغما می‌افتادند. در یک مورد دانشجویی را با زنجیر بر روی زمین می‌کشیدند و در همان حال می‌زدند. پیکر غرق به خون این دانشجو که در حال اغما بوده نیز از حملات وحشیانه در امان نماند. بعضی از پاسداران حتی در فاصله سه چهارمتری هدف می‌گرفتند و به پای دانشجویان شلیک می‌کردند. مثلا رفیق جبرائیل هاشمی را به این ترتیب به گلوله می‌بندند که در بیمارستان بر اثر جراحات وارده به شهادت رسید. زمانی که دانشجویان از جلوی گلوله‌های پاسداران عقب نشسته و به حوالی بیمارستان گلستان در محوطه دانشگاه رسیده بودند دختری را متوقف می‌کنند و کلت را به شقیقه‌اش گذاشته و شلیک می‌کنند. این صحنه برای شاهدان چنان غیرمنظره بوده که دچار تهنوع شده و برخی شوکه می‌شوند. دستگیری همراه با حرکات و حشیانه انجام می‌گیرد. دستگیرشدگان را سوار ماشین کرده و با کتک و فحاشی به زندان می‌برند. در چندین مورد حمله و تجاوز به دختران انجام می‌گیرد و تاکنون چند سه دختر را از رودخانه کارون بیرون کشیده‌اند. بیش از ۷۰۰ نفر زندانی

و چند صد زخمی و دهها شهید نتیجه انقلاب فرهنگی‌ای است که به راه انداخته‌اند. ... در طی مقاومت دانشجویان و دانش‌آموزان و دیگر نیروهای انقلابی چه در زندان و چه خارج از آن، حماسه آفرین و شورانگیز بوده است. بسیاری از تیرخورده‌های زندانی شعارهای ضد آمریکایی و شعار «اتحاد، مبارزه، پیروزی» را هر چه بر صلابت تر سر داده‌اند. زندانیان پر شور دست به اعتصاب غذا زده‌اند. آنها در زندان‌ها شعار می‌دهند، مقاومت می‌کنند و به آرمان‌های خود دلاورانه وفادارند. ... در بیمارستان‌ها نیز آنچنان محیط رعب و وحشتی به وجود آورده‌اند که کارکنان بیمارستان‌ها تا کنون دوبار دست به اعتصاب زده و تهدید به استعفا کرده‌اند. چندین دکتر، انترن، رزیدنت و پرستار هم در زندان به سر می‌برند.

روز پنجشنبه ۴ اردیبهشت ماه ۵۹ جنایت هولناک دیگری در تالار شهرداری (یکی از اماکنی که زندانیان را به آنجا می‌بردند) اتفاق افتاد. در حالیکه خانواده‌های زندانیان در خارج از تالار شهرداری اجتماع کرده بودند و به این جنایات اعتراض می‌کردند، زندانیان به دادن شعار ضد آمریکایی می‌پرداختند. پاسداران محافظ با قساوت تمام به روی آنان آتش می‌کشیدند. در این کشتار ۸۰۰ زندانی شهید و لاقفل ۲۶ نفر زخمی می‌شوند. یکی از زندانیان را که گلوله خورده بود برای مدتی در همان حال نگهداری و بعد از اعتراضات فراوان دیگر زندانیان (ظاهر) او را به بیمارستان منتقل می‌کنند اما فردای همان روز جسد

### جنگ آشکار شیمیایی

بقیه از صفحه اول

در ۲۸ فروردین ماه، هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه، با ذکر اینکه «اصل جنگ ما از مدت‌ها پیش مقابله بمثل است» تهدید کرد در عرصه جنگ شیمیایی نیز «ما چنان گسترده عمل خواهیم کرد تا شما (عراقیها) را از این کار پشیمان کنیم.» بطوریکه از اظهارات مسئولین رژیم فقها برمی‌آید، آنان در نظر دارند، با تبلیغ روی این مسئله که «اصل، اصل، مقابله بمثل است»، کاربرد سلاحهای شیمیایی در جبهه‌های جنگ را علنی سازند. اظهارات همگی آنان یک سمت و سودا دارد: علنی کردن

این رفیق را در حالی به خانواده‌اش تحویل می‌دهند که با قمه گردن او را شکافته بودند. اما در اخباری که از طرف رژیم در این باره منتشر شدند ادعا شده است که: «زندانیان اهواز شورش کردند و در این شورش ۴ نفر کشته شدند که یکی از آنها دختری به نام مهناز معتمدی بود.»

اما در مورد دانشجوی مبارز دیگر، مهناز معتمدی، جریان بدین صورت بود که این دختر مبارز نیز از جمله دانشجویانی بود که در دانشگاه اهواز دستگیر شده بود. پاسداران او تعدادی دیگر از دختران دانشجویان را به قصد شکنجه با چشمان بسته در مقابل دیوار قرار دادند و برای ایجاد رعب در اطراف سر آنها شروع به شلیک گلوله نمودند. یکی از این دختران که مهناز معتمدی نام داشت، به این عملیات فجیع اعتراض کرد. پاسداران موهای سرش را گرفتند او را روی زمین کشیدند و سپس با مشت و لگد او را به گوشه‌ای انداختند و به رگبار مسلسل بستند. آنها برای قانونی جلوه دادن جنایات خود نام این دختر مبارز را بی‌شرمی تمام جزو آن دسته از زندانیانی اعلام کردند که بقول خودشان «شورش» کرده بودند. این جنایات‌ها هنوز به اشکال مختلف در اهواز ادامه دارد و روز به روز مردم بیشتر به حق این جنایات پی می‌برند و از مقاومت دانشجویان و دانش آموزان انقلابی و قهرمان اهواز حمایت می‌کنند.

به شهدای قهرمان اهواز درود می‌فرستیم و ایمان داریم «روزی که خلق بداند هر قطره خونتشان محراب می‌شود». یادشان گرامی باد»

### جنگ شیمیایی

رژیمهای جنایتکار ایران و عراق، در ارتکاب فجیع‌ترین جنایات جنگی به رقابت و حشیانه‌ای برخاسته‌اند. با تهدیدات اخیر رژیم فقها مبنی بر استفاده «گسترده» و «بهره‌گیری از همه امکانات» در جنگ شیمیایی، ابعاد درد و رنج مردم ستمدیده ایران و عراق گسترش فاجعه‌بارتری خواهد یافت. برای مقابله با این خطر جدی و هولناک که احتمال سرایت آن به شهرهای دو کشور نیز می‌رود همه سازمانها و گروههای مترقی و ایرانیان صلح‌خواه، می‌باید تمام امکانات خود را در جهت افشای نیت جنایتکارانه رژیمهای ایران و عراق و برای صلح مورد استفاده قرار دهند»

## در سالی که گذشت میلیونها کارگر بیکار ماندند

درگیری و تقابل درون حکومتی به افشای "اسرار اقتصادی" رژیم مبادرت ورزیدند. در نشست مسئولان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن کشور فاش شد که کاهش درآمد ارزی رژیم، خطر بیکاری ۲ میلیون کارگر را در پی دارد. وزیر صنایع سنگین رژیم نیز طی مصاحبه‌ای از سیاست "بازخرید اجباری" کارگران و احدهای تولیدی، پرده برداشت.

رژیم بمنظور تحقق سیاست ضد کارگری اخراج گسترده، به کمیسیون پنج گانه متشکل از وزارت ساواک، وزارت کشور، وزارت کار، وزارت صنایع و خانه کارگر متوسل شد. کار این کمیسیون به استثنای فعالیت سرکوبگرانه آن، تسکک به پیمان‌های سیاسی و شرعی برای اخراج کارگران می‌باشد.

از سوی دیگر رژیم در لایحه جدید و ارتجاعی قانون کار، موادی را کنجاند است که امر اخراج کارگران را تسهیل می‌کند. کارفرما و دولت با استفاده از مواد ۲۴ و ۲۵ لایحه جدید قانون کار خواهند توانست، بازخرید را به کارگران تحمیل کنند. در ماده ۲۵ این لایحه تصریح شده است: "چنانچه از طرف کارفرما تغییرات عمده‌ای در شرایط کار (ساعات کار، محل کار، نوع کار و...) صورت گیرد، کارگر حق فسخ قرارداد کار را خواهد داشت و کارفرما مکلف است خسارت بپردازد." بر اساس این ماده، کارفرما خواهد توانست، با افزایش ساعات کار و شدت استثمار، کارگر را وادار به ترک کار نماید. در ماده ۲۴ نیز بر موقتی بودن قرارداد کار تاکید شده است.

بر اساس لایحه ارتجاعی قانون کار، اخراج کارگران منوط به نظر شورای اسلامی کار و یا هیاتهای تشخیص - در واحدهای کار که شورای اسلامی ندارد - شده است. بدیهی است که شوراهای اسلامی کار بهیچوجه خواست کارگران را منعکس نمی‌کند و در هیاتهای تشخیص نیز اصولا کارگران - حتی کارگران مورد تایید رژیم - مشارکت ندارند. بدین ترتیب رژیم با استفاده از پرونده سازیهای کمیسیون پنج گانه و مواد لایحه کار به اخراج گسترده کارگری رسمیت می‌بخشد.

### بیکاری فزاینده و بیمه بیکاری

در سال گذشته، مبارزه کارگران علیه سیاست ضد کارگری اخراج بقیه در صفحه ۱۰

محتاج ۷ میلیارد دلار ارز می‌باشند. بدیهی است که بخش اعظم این درآمد ارزی محدود نیز صرف خرید جنگ افزار و واردات کالاهای اساسی شده است. بدین ترتیب رژیم سیاست صرفه‌جویی اکید را که عمدتاً شامل حال "صنایع ارزبر" - صنایع اصلی کشور - می‌شد در پیش گرفت. بودجه ارزی وزارتخانه‌های صنایع، صنایع سنگین و معادن و فلزات به‌طرز بیسابقه‌ای کاهش یافت. جمشیدی معاون اقتصادی و بازرگانی وزارت صنایع اعلام کرد: "ارز مورد نیاز برای وزارت صنایع که حدود ۸۰ درصد واحدهای صنعتی کشور را تحت پوشش دارد که در شرایط مطلوب پیش از ۵ میلیارد دلار است، در سال جاری به یک ششم ارز مورد نیاز تنزل کرده است" (کیهان هوایی ۵ شهریور ۶۵).

وضعیت در وزارت صنایع سنگین بحرانتب وخیم‌تر بود. بنا به گزارش روزنامه کیهان ۲ مهرماه ۶۵، بودجه ارزی این وزارتخانه به یک دهم کاهش یافته است. بدین ترتیب عدم تامین ارز مورد نیاز صنایع کشور، منجر به تعطیلی بسیاری از واحدهای تولیدی کشور و در نتیجه اخراج گسترده کارگری گردید. از جمله واحدهای تولیدی که در سال گذشته با اخراج بی‌سابقه کارگری مواجه بودند، میتوان از این واحدها نام برد: کارخانه ایران ناسیونال، فولادسازی اهواز، کشت و صنعت کارون، شرکت هاماراک، ابریشم فومن، شعله خاور، فرقه زیبا، بهپوش، پشم پتوی تبریز، کاشی ایران، اونیورسال، کابل سازی، کانترپیلار، سازمان آب اهواز، نیروگاه شهریار، کارخانه لامپ سازی کیلان، ایران یاسا، نیرپارس، ایران فایر، کارخانه مونتاژ جرقه‌گیر، کارخانه فرمند، پتوبافی شمس اراک...

### رسمیت بخشیدن به اخراج‌های گسترده

رژیم از پی آمدها و عواقب سیاسی اخراج گسترده کارگران هراس دارد. از اینرو مسئولین و "ابر قدرتهای" رژیم تلاش دارند که به این سیاست ضد کارگری خود بگونه‌ای تدریجی و پوشیده جامعه عمل بپوشند. در سال گذشته، اما، برخی از "مسئولان ناخلف" حکومتی بر زمینه

بهرامونی و وابسته صادر شده و در کشورهای پیرامونی نیز بار اصلی بحران بر دوش کارگران و زحمتکش منتقل می‌شود. بافت اقتصادی بیمار و بحران زده کشورهای وابسته، به عرصه‌های متنوع بحران سرمایه‌داری در این کشورها، ابعاد فوق‌العاده‌ای می‌بخشد.

در کشورهای وابسته، همواره نرخ افزایش امکانات شغلی از نرخ افزایش جمعیت عقب می‌ماند و عرصه‌های اصلی تولید ملی قادر به جذب نیروی فعال مردم افزون کشور نیستند. بنابه گزارش نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵ که در کیهان ۲۱ دیماه بازتاب یافت، هر ساله نیم میلیون نفر بر تعداد بیکاران کشور افزوده می‌گردد. مسئله افزایش نیم میلیون نیروی فعال کشور به ارتش بیکاران زمانی به ادراک در می‌آید که در نظر بگیریم، میزان رشد متوسط سالانه جمعیت کشور، ۱/۷۵ میلیون نفر است. بدین ترتیب هر ساله قریب به یک سوم جمعیت افزوده کشور جذب کار نشده و بر ارتش میلیونی بیکاران کشور افزوده می‌گردند. تنها با در نظر گرفتن میزان "بیکاری پنهان" و "بیکاری موقت" میتوان به ابعاد بیکاری کشور در این عرصه پی برد.

### آخر اجهای گسترده

اقتصاد کشور، اقتصادی وابسته است. این وابستگی، روندی تک خطی و ساده نیست، بلکه بر همه فعل و انفعالات اقتصادی کشور سیطره و حاکمیت دارد. ارزش حاصله از صدور و فروش نفت، خوبی است که در رگهای پیکر این اقتصاد جریان دارد. بحران ارزی رژیم که حادث شده، کم خونی شدید حادث گردید و از سوی دیگر خفاش جنگ نیز دندانه‌های خود را در کالبد این اقتصاد فرو برد تا نیازهای نظامی خود را مرتفع سازد. بدین ترتیب چرخهای اقتصادی کشور از دور حرکت باز ماندند. صنایع کشور فلج شدند، بسیاری از واحدهای تولیدی تعطیل گردیدند و خطر اخراج گسترده کارگران بر پهنه کشور سایه افکند.

کل میزان ارز تحصیلی کشور در سال ۶۵، تنها ۵ میلیارد دلار بود. این در حالی است که بنا به اعتراف سرحدی زاده، تنها واحدهای تولیدی بزرگ کشور بمنظور استمرار تولید،

اژدهای بیکاری پادمانی کشود و فراخ در کنار در کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی کشور کمین کرده است. بحران حاد بیکاری کشور در سالهای اخیر و بویژه سال ۶۵ به ابعاد بیسابقه‌ای رسید. این حقیقتی است که بیکاری محصول سرشت نظام سرمایه‌سالاری است، ولی بی‌گمان ابعاد و دامنه بحران بیکاری فزاینده امروز کشور را نمیتوان تنها در این محور توضیح داد. بموازات سیاستها و اقدام‌های سرمایه نوازانه رژیم فقها، حاکمیت جنگ بر اقتصاد و سیاستهای ضد ملی و جنگ افزو زانه رژیم نیز در گسترش ابعاد بیکاری جامعه سخت موثر بوده‌اند.

روند فزاینده بیکاری باعث آن شده است که مسئله بیکاری در رأس مسائل کارگری کشور قرار گیرد. مبارزه علیه سیاست "بازخرید اجباری" کارگران و دفاع از امنیت شغلی، در سال گذشته، یکی از اصلی‌ترین عرصه‌های جنبش مطالباتی کارگری کشور بود. اقتصاد جنگی رژیم با انکار بر منطق "همه چیز در خدمت جنگ" پایه‌های امنیت شغلی کارگران را هدف پیکان مخرب خود قرار داده و رژیم حتی در حرف لایحه جدید قانون کار - نیز از پذیرش امنیت شغلی کارگران تن می‌زند.

بیکاری فزاینده‌ای که هم اینک بر پهنه میهن سایه دوانیده است، بحرانی است مرکب از دو وجه. این بیکاری از یکسو محصول اقتصادی بیمار و شیرازه گسیخته است و از سوی دیگر معلول سیاست های اخراج گسترده رژیم. به این دو وجه بحران بیکاری نظری بیافکنیم:

### هر سال نیم میلیون بیکار

در جوامع کاپیتالیستی، منطق مبتنی بر حفظ و گسترش سود، یگانه معیار تعیین میزان شاغلین محسوب می‌شود. در یک چنین جوامعی، کارگران "افزار" تولید سود تلقی می‌گردند و بموازات گرایش نزولی نرخ سود، امنیت شغلی آنان نیز به مخاطره می‌افتد. این امر تنها با سطح پیشرفته اتحاد کارگران و دستاوردهای جنبش رزمنده کارگری محدودیت می‌پذیرد.

منطق ذاتی تقسیم بین المللی کار جهان سرمایه‌داری است که بار اصلی بحران از کشورهای متروپل به کشورهای



# از رزمندگی طبقه کارگر ایران

در بررسی سیر مبارزاتی طبقه کارگر ایران هم خصیصه پیوستگی و تداوم جلب نظر می‌کند و هم خصیصه ناپیوستگی و انقطاع؛ پیوستگی و تداوم در نفس مبارزه و مضامین آن و انقطاع در اشکال مبارزاتی و سازمانی.

طبقه کارگر ایران دیر زمانی است که با سلاح موثر اعتصاب آشناست. نخستین حرکت‌های اعتصابی را می‌توان حتی در قرن نوزدهمی گرفت. در اوایل قرن حاضر پرولتاریای متمرکز صنعتی با این شکل از مبارزه آشنا می‌شود و مهمترین اعتصابات به نام نفتگران به ثبت می‌رسد. در آن هنگام هم طبقه کارگر و هم پیشروان آن در حال تجربه اندوژی بودند. و کمبود تجربه و فقدان سنت‌های سازمانی در اشکال سندیکیایی، اختناق رضاخانی و اختناق مضاعف در جنوب (هم از سوی رضاخان و هم از سوی امپریالیسم انگلیس) اجازه نداد طبقه کارگر به شکل‌های گسترده‌ای از تشکل برسد و محیطه تاثیر مبارزات خود را هم در درون خود طبقه و هم در میان کل زحمتکشان، توسعه بخشد. با همه این وجود در همان دوران استبداد رضاخانی نیز این طبقه کارگر جوان ایران است که مهمترین حرکتها را به نام خود ثبت می‌کند.

پس از سیری شدن دوره استبداد رضا خانی، جنبش کارگری اعتلای بی‌نظیری یافت. از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲ طبقه کارگر ایران در دو مرحله بهم پیوسته و مکتب هم، جنبش سندیکیایی را تعمیق بخشید، به سمت دستیابی سلاح آگاهی و تشکل حرکت کرد و با برخورداری نسبی از سنگر تشکل، رزم خود را در مقابل دربار، امپریالیسم و بورژوازی پیش برد. طبقه کارگر ایران در این سالها نشان داد که تا چه حد برای تشکل شدن آماده است و قادر است به مجرد فراهم شدن زمینه‌های سیاسی، عقب افتادگی خود را در این زمینه جبران کند. طبقه کارگر ایران در دو مقطع دیگر این قابلیت قابل انکار را به عینه نشان داد: در فاصله ۲۹ تا ۴۲ با گستردگی کمتر و پس از انقلاب بهمین و در جریان آن با بیشترین گستردگی.

در فاصله ۲۰ تا ۲۲ طبقه کارگر ایران مبارزات کم نظیری را پیش برد: نبرد خونین ۲۲ تیر ۱۳۲۵ در مناطق نفت خیز علیه شرکت نفت انگلیس، اعتصاب در کارخانه شاهی در سال ۱۳۲۹، اعتصاب عظیم در صنایع نفت در پایان سال ۲۹ و اوائل سال ۱۳۳۰ و نظایر اینها.

وقتی ارتجاع غالب می‌شود، در درجه اول می‌کوشد سلاح تشکل را از کف کارگران خارج سازد. پس از کودتای ۲۸ مرداد بلافاصله یورش به سندیکیاها و تشکل‌های کارگری آغاز شد، اما مبارزه طبقه کارگر استمرار یافت. پس از این کودتا مجدداً با مساله عقب-افتادگی شکل مبارزه (قالب سازمانی) از نضمون مبارزه طبقه کارگر روبرو می‌شویم. اختناق که کودتای ۲۸ مرداد به دنبال آورد، مبارزه طبقه کارگر ایران را دچار سستی ساخت. بروز تعدادی اعتصابات کوچک و بزرگ و بالاخره خروش کارگران نفت در آبادان در مرداد ۱۳۲۴، خواب خوش کودتاگران را بهم زد.

در سال ۱۳۲۶ نفتگران در مسجد سلیمان و آغاچاری به اعتصاب میادرت ورزیدند. در سال ۱۳۲۷ کارگران اصفهان، کارگران لوله‌نفت در جزیره خارک، کارگران بندر شاپور و رانندگان تاکسی در تهران، و در سال بعد کارگران کارخانه ریساف اصفهان، دست به سلاح اعتصاب بردند. سال ۱۳۲۸ یادآور اعتصاب متشکل ۲۰ هزار کارگر کوره-پزخانه‌های تهران است. این اعتصاب با یورش تفنگ به دست‌های شاه سرکوب شد و در جریان آن ۵۰ نفر کشته و زخمی گشتند. اعتصاب کارگران کارخانه وطن اصفهان نیز به همینسان رنگ خون گرفت. سال ۱۳۴۰ سال حرکت‌های کارگری بی‌دریبی بود. تهران، مسجد سلیمان، شیراز، رشت، اصفهان، لنگرود، منجیل، بندر معشور و چند شهر دیگر شاهد رزم کارگران بودند. در سال بعد مجدداً کارگران کوره-پزخانه‌ها به پا خاستند. مشخصه حرکت‌های کارگری در این سالها (۲۹ تا ۴۲) گستردگی و سازمان یافتگی نسبی آنها بود.

در دهه چهل صفوف طبقه کارگر از نظر کمی رشدیافت. غلبه مناسبات

سرمایه‌داری هر سال توده‌های بیشتری را به درون کارخانه‌ها فرستاد. ترکیب سنی، جنسی و اجتماعی طبقه کارگر (به اعتبار خاستگاه و منشأ، پرولتراها جدید) و نیز توزیع جغرافیایی صفوف این طبقه، تغییرات چشمگیر و مهمی یافت. مجموعه تجربیاتی که در درون خود جنبش کارگری انباشته بود، به هیچ وجه نمی‌توانست پاسخ‌گویی همه این تحولات باشد. از همینرو عامل انقطاع و ناپیوستگی در اشکال مبارزاتی و سازمانی، خود را به صورت چشمگیرتری نشان داد.

سال ۱۳۴۲، سال اعتصاب کارخانه ریسندگی و بافندگی زاینده رود اصفهان، کارگران نفت و کارگران راه آهن بود. در سال بعد، کارگران کارخانه صنایع پشم اصفهان و تاکسی‌رانان تهران به پا خاستند. در نیمه دوم دهه چهل حساسیت رژیم بر روی تشکلهای کارگری چند برابر گردید. با این وجود، کارگران از پا نیفتادند. در سال ۱۳۴۷ کارگران کارخانه‌های ریسندگی و بافندگی

## اتحاد گسترش یابنده پرولتاریا

گاه گاه کارگران پیروز می‌شوند ولی این پیروزی‌ها تنها پیروزی‌های گذرنده است. نتیجه واقعی مبارزه آنان، کامیابی بلا واسطه آنان نیست، بلکه اتحاد کارگران است که همواره در حال نضج است. مارکس و انگلس (مانیفست حزب کمونیست)

کشتارگاه تهران، اعتصاب در کارخانه ارج، اعتصاب در سیمان آبیگ، اعتصاب گسترده در بنز خاور، اعتصاب در کفش بلا (اعتصابی که رژیم برای خواباندن آن به مسلسل متوسل شد)، اعتصاب در بندر شاپور، اعتصاب در شرکت فلور، اعتصاب در نیروگاه اتمی بوشهر، اعتصاب در دخانیات، پست، پارس استیل، کشت و صنعت کارون، جنرال موتورز، بوتان، ایران تایر، سیتروئن و... این اعتصابات روح و جان سال ۵۶، سال جوش بزرگ را تشکیل می‌دهند. شاخص اصلی اعتلای انقلابی، در درجه نخست این اعتصابات بودند. در سال ۵۷، سال انقلاب، همه بقیه در صفحه بعد

تهران و ۱۲ هزار نفتگر در آبادان، برچم اعتصاب را برافراشتند. سال ۱۳۴۹ سال اعتصاب کارگران جلفا و کارخانه‌های آریا و شاهین، مقدم، فخر ایران، قرقره زیبا، اتوبوسرانی تهران، نورد اهواز و نساجی یزد و اصفهان بود.

سال ۱۳۵۰ یادآور به خون کشیدن راهپیمایی اعتراضی کارگران جهان چیت کرج به دست قداره بندان شاه است. اعتصاب در ماشین‌سازی اراک، گونی‌بافی چتایی، چیت‌سازی شهرری، و نورد اهواز از دیگر حرکت‌های مهم کارگری این سال بود. در سالهای ۵۲ تا ۵۵ واژه سرخ اعتصاب در فضای کارخانه‌های ایران ناسیونال، نفت آبادان، توان بین،



## از رزمندگی طبقه کارگر ایران

بقیه از صفحه قبیل

حرکتهای کارگری مشخصاً رنگ سیاسی یافتند. کارخانه‌ها از جمله مهمترین کانونهای رزم انقلابی بودند. در فاصله فروردین تا ۱۷ شهریور ۵۷ بیش از ۵۰ اعتصاب کارگری کوچک و بزرگ اعتلای انقلابی را شتاب بخشید. این اعتصابات از ۲۰۰ نفر تا ۸۰۰ نفر را در بر می‌گرفتند. اعتصاب ۷۰۰ نفری کارگران صنایع فولاد اهواز در ۱۵ شهریور و همزمان با آن اعتصاب ۸۰۰ نفری کارگران شرکتهای مانا، ماشین‌سازی پارس و فاسترویلر شاخص غلبه کامل روحیه خیزش انقلابی در فضای کارخانه‌ها بود. در این فاصله، همه کارخانه‌ها دارای کمیته‌های اعتصاب شده بودند. فقدان تشکلهای آماده کارگری و ضعف شدید رابطه پیشاهنگ با طبقه باعث شد که پیوند بین این کمیته‌ها بایکدیگر از طریق "محله" برقرار شود و نه در ارتباط مستقیم خود آنها. آگاهی طبقاتی در آگاهی جبهه‌ای کم شد و طبقه‌ای که شایستگی عینی رهبری انقلاب را بر عهده داشت، از ایفای این نقش بازماند.

در آستانه موقعیت انقلابی، حرکت اعتصابی در کارخانه‌ها فراگیر شد. مبارزه پرولتاریای صنعتی قلب و کانون اصلی حرکات کارگری را تشکیل دادند. حرکت اعتصابی با خواسته‌های سیاسی و صنفی در بیش از بیست واحد بزرگ صنعتی با ۴۰۰۰ کارگر، قدرت رزم و آگاهی پرولتاریا را به نمایش درآورد. از ۱۷ شهریور بعد هدف سرنگونی رژیم با صراحت تمام سمت اصلی جنبش اعتصابی را تشکیل می‌داد. دیگر کارخانه‌ای نبود که با این روش به پا کند. طبقه کارگر، راهبلیه اولیه راهب انقلاب داده بود و اولین وظیفه را بردوش داشت که مهمترین ضربه را وارد بر رژیم و جریخ در توازن قوا را به نام خود ثبت کند. اعتصاب کارگران نفت، این اعتصاب ضربه‌مرکب‌باری را بر پیکر رژیم ساخت. این اعتصاب روند انقلاب را به بالاترین مدار خود سوق داد و زمینه سرنگونی رژیم شاه را کامل کرد. دیگر کارخانه‌های بزرگ صنعتی نیز انرژی عظیمی به این روند بخشیدند؛ ذوب آهن اصفهان با ۴۰۰۰ کارگر، ماشین‌سازی و تراکتور سازی و لیفت

تراک سازی تبریز، ایران ناسیونال، نیروگاههای برق، پالایشگاه، کارخانه‌های اراک و قزوین و جاده‌های سخر کرج - تهران. در کوچه‌ها و خیابانها نیز مقدم بر همه، این کارگران بودند که می‌جنگیدند. کارگران، زحمتکشان و تبه‌دستان شهر و روستا؛ اینان ارتش انقلاب بودند. اینان توده اصلی آن بهمنی بودند که به حرکت درآمد و در روز ۲۲ بهمن، کاخ شاه را درهم کوبید.

ما برای اسلام انقلاب کردیم، نه‌ان و خریزه. در فدای انقلاب این تغییر نفرت انگیز، توده زحمت را با همان زنجیری که بر دست و پا داشت، به پشت ماشین‌ها راند. مهمترین خیزش انقلابی در تاریخ ایران با شکست مواجه شد و ضد انقلاب هاری بر میهن ما مسلط گردید که فریب توده‌های مهمترین رکن حیات آن بود. اما توفان انقلاب به یکباره فرو نشست. طبقه کارگر ایران با تمام توان موجود خود در شرایط فریب گسترده توده‌ای که در درون کارخانه‌ها نیز رخنه وسیعی داشت، کوشید دستاوردهای انقلاب را حفظ کند. در اکثر کارخانه‌ها، شورا برپا گردید. مضمون غالب در این شوراها که ادامه کمیته‌های اعتصاب بودند، اعمال کنترل کارگری بود. واژه "شورا" اساساً در کارخانه‌ها تولد یافت و سپس در همه جا بر سر زبانها افتاد. گسترش یافتن این واژه تا حدی که ضد انقلاب نیز برای مسخ آن، آیه‌ای آسمانی حواری این کلمه را بی‌پوشی یافت، به هیچ وجه اتفاقی نبود. شورا، اصل‌ترین واژه اثباتی در فرهنگ انقلاب بهمن بود.

سال ۵۸ سال آمیختگی دو عنصر مقاومت و تعرض‌های گسترده و در عین حال موضعی بود. گسترده‌گی حرکت‌های کارگری در این سال در تحلیل نهایی با عوامل قابل توضیح است. علاوه بر تأثیر انرژی جنبشی انقلاب و جنبش‌های نسبی ناشی از مقاومت مردم فرهنگ انقلاب و توده‌های ضد انقلاب حاکم. کارگران به عنوان یک رکن عمده جنبش فدایی رژیم شاه را درهم کوبیده آوردند و اکنون می‌خواستند به پایه‌های آن یورش آورند. در سال ۵۸ کارگران بطور

غریزی خواسته‌های خود را داشتند؛ مبارزه علیه سرمایه. آنها برای بی‌گرفتن این مبارزه با سد رژیم تازه مواجه می‌شدند. از اسفند ماه ۵۷ به بعد موضوع اخراج و با دستگیری نمایندگان کارگران و اعضای شوراها کارگری جای مهمی از اخبار کارگری را به خود اختصاص داد. علی‌رغم فتوای مکرر خمینی و دیگر فقهای کوچک و بزرگ، جنبش اعتصابی در بهار ۵۸ و پس از آن ادامه

### نیروی پرولتاریا

نیروی پرولتاریا در هر کشور سرمایه‌داری به مراتب بیش از نسبت پرولتاریا به کل جمعیت است. علت این امر آن است که پرولتاریا بر محور و بر اعصاب تمام سیستم اقتصادی سرمایه‌داری از نظر اقتصادی تسلط دارد و علاوه بر آن از نظر اقتصادی و سیاسی بی‌انگرمناح و واقعی اکثریت عظیم زحمتکشان جامعه سرمایه‌داری است.

بدین سبب پرولتاریا، حتی زمانی که اقلیت جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد (بازمانی که پیش‌آهنگ آگاه و واقعا انقلابی پرولتاریا اقلیت جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد)، توانایی آن را دارد که هم بورژوازی را سرنگون سازد و هم سپس از میان توده نیمه پرولت و خرده بورژواکه هیچگاه از پیش به سود فرمانروایی پرولتاریا سخن نگویند و شرایط و اهدافی که این فرمانروایی را درک نگویند و فقط بر اساس تجارب بعدی خویش به ناگزیری و صحت و قانونمندی دیکتاتوری پرولتاریا معتقد خواهند شد، متحدان بسیاری به سوی خود جلب کند.

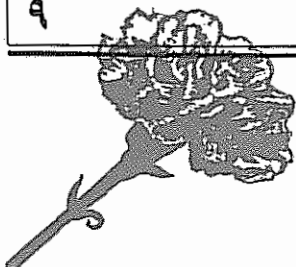
یافت. هدف حرکت‌های اعتصابی جلوگیری از اخراجها، افزایش دستمزدها، جلوگیری از اخراج‌های سرمایه‌داران و در جامع‌ترین بیان آگاهانه‌ترین شکل طرح خواسته‌ها، اعمال کنترل بر تولید بود. مجموع حرکت‌های کارگری مهم در این سال تا ۴۰۰ مورد برآورد می‌شود. در این سال کارگران گام‌های بلندی برای سازمانیابی برداشتند و تشکلهای مختلفی رایبی ریختند. رابطه عنصر ذهنی و پیشرو با طبقه در این سال تقویت گردید و کارگران بسیاری با ایدئولوژی طبقه خود در تماس قرار گرفتند. با همه این توصیفات، جنبش کارگری نتوانست در این سال پراهمیت بار خود را ببندد و برای تداوم مبارزه آمادگی یابد. طبقه کارگر بیش از آن که با آگاهی طبقاتی حرکت کند، بافریزه طبقاتی حرکت می‌کرد.

در سال ۵۹ حرکت متوقف نگشت اما از سوی ضد انقلابی که بردوش انقلاب نهسته بود، ضربه‌های

طومارنویسی و در بهترین حالت تشکیل مجمع عمومی تبلور یافتند. در سال ۶۱ در بدترین شرایط از نظر خفقان و فشار طبقه کارگر ایران توانست در برابر قانون کار توکل‌گرای بایستد و این قانون را به زیر پا نکند. در سالهای ۶۱ و ۶۲ اگر از جنبش توده‌ای سخن رود، باز نخست باید بر روی حرکت‌های کارگری انگشت نهاد.

از نیمه دوم سال ۶۲ به بعد، مبارزات کارگری تکان تازه‌ای یافتند. سال ۶۲ فرارسید و طبقه کارگر ایران در این سال، بیکار دیگر توانمندی و قابلیت‌های نهفته در خود را به نمایش نهاد. طلایه‌دار چشم سال ۶۲، اعتصاب کارگران دختلیات تهران در ۱۱ ماه سال ۶۲ بود. سرکوب خشن این اعتصاب موجی از نفرت در کارخانه‌های مختلف برانگیخت. جنبش اعتصابی مجددا رونق یافت. حرکت‌های اعتصابی در مجموعه حرکت‌های کارگری سال ۶۳ وزن بالایی را به خود اختصاص دادند. همه گزارشها و تحلیل‌های کارگری





در اعتراض به استرداد کارخانه به مالک پیشین، از جمله مهمترین حرکت‌های کارگری سالهای ۶۴ و ۶۵ بود. در این اعتراضات و مجموعه دیگری از حرکت‌های جمعی، باید آنبومی از مبارزات فردی به صورت خودداری از رفتن به جبهه و عدم پرداخت بخشی از دستمزد برای کمک به جبهه یاد کرد.

رژیم در سال ۱۳۶۵ بحث قانون بهسازی و نیز مجدداً قانون کار را پیش کشید. سرکران برخلاف حساسیتی که نسبت به این کار توکلی خود نشان دادند و برخورد به آن را به بحث روز در مجامع کاری تبدیل کردند، در مجموع نسبت به این دو قانون بی تفاوت برخورد نمودند. وجه مثبت این نحوه برخورد که به نوعی تحریم می‌ماند، نشان دهنده قطع هرگونه امید نسبت به ایجاد کشایشی در چارچوب بسته این رژیم است.

\* \* \*

مبارزات کارگری در میهن ما، علی‌رغم تمام افت و خیزهایش به خط متدسرخی می‌ماند که از خلال حوادث مختلف ۶۰ ساله گذشته کشور می‌گذرد و جهت آینده را نشان می‌دهد. همچنان که در ابتدای مقاله ذکر کردیم در مبارزات کارگری، اگر انفضالی دیده می‌شود در شکل است و نه در مضمون. اما مبارزه طبقه کارگر اساساً در حالت شکل یافته قادر است مهر خود را بر حوادث بکوبد و طبقه را به مثابه طبقه وارد کارزار سازد. تنها در دو مقطع ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲ و ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ (و بسیار کم‌رنگ‌تر در فاصله ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲) مضمون به سمت شکل‌بایسته خود حرکت کرده است. راهی که طبقه کارگر در عرض یک مدت کوتاه در شرایط آزاد می‌تواند طی کند با راه طی شده در مدتی پس دراز در شرایط اختناق قابل مقایسه نیست. یکبار برای همیشه باید این گمان را بدور انداخت که خواسته کارگران یک چیز است و مبارزه در راه دموکراسی یک چیز دیگر. تلاش در جهت تشکیل بیابانی پرولتاریای ایران، انسان که تمام یا بخش اعظم طبقه را در برگیرد تنها در جریان فتح چند سنگر اصلی و مقدم در مبارزه دموکراتیک و پیش از همه سرنگونی جمهوری اسلامی، و به تناسب پیروزی‌هایی که در این عرصه به چنگ می‌آید، بقیه در صفحه بعد

و اعتصاب نسبت به شرایط کار و موضوع اخراج‌ها، در چندین مرحله، بوتان‌گاز (اعتصاب به دنبال بروز یک سانحه در حین کار)، پارس متال (اعتراض به تغییرات در بخش حفاظت)، ارج (اعتصاب در اعتراض به شرایط ایمنی کار)، تکنیکال (اعتصاب در اعتراض به عدم پرداخت به‌موقع دستمزد)، چینی‌سازی (تهران) (اعتصاب در اعتراض به تهدید کارگران به اخراج)، استار شیت (کم‌کاری در اعتراض به عدم پرداخت حق پورسانت)، ماکس (اعتصاب در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه)، پی.وی.سی (اعتصاب در اعتراض به افزایش دستمزد)، شیشه‌سازی مینا (اعتصاب نسبت به مدیریت)، کفش ملی (اعتصاب مختلف در رابطه با دستمزد) ایرانییت (اعتراض به نحوه اجرای

خواسته‌های معیشتی (خواسته افزایش دست‌مزد به شکل مستقیم و با در اشکالی همچون طرح خواسته عیدانه، حق‌بهره‌وری، سود سالیانه و نظایر اینها) دور می‌زد. حرکت‌های کارگری در کارخانه‌های ماشین‌سازی اراک، پشم شیشه شیراز (به صورت تصرف کارخانه)، نیروگاه رامین (به صورت کم‌کاری با خواسته افزایش دستمزد)، آکام فلز (به صورت اعتراض جمعی نسبت به عدم افزایش دستمزد)، اتسفر (اعتراض به کاهش دستمزد)، خط لوله شهری (اعتراض به عدم پرداخت به موقع دستمزد و عیدانه)، چاپخانه‌های تهران (اعتراض به تلاش وزارت کار برای منسوب کردن عوامل خود در هیات مدیره تعاونی مصرف صنف چاپ)، پوشش رشت (ظومار نویسی و تهدید به اعتصاب در اعتراض به خطر

نشان می‌دهد که کارگران در هنگام طرح خواسته‌های مطالباتی خود رود روشن با ارگان‌های سرکوب رژیم را پیش فرض مسلمی در نظر می‌گرفته‌اند و خود بخود به عامل مخفی کاری توجه داشته‌اند و طبیعتاً هنوز دارند. خواسته‌های کارگران در این سال، اساساً حول مسائل معیشتی دور می‌زد. در میان متجاوزان از ۲۰۰ حرکت کارگری عمده سال ۶۳ اعتصاب خونین کارگران شرکت ساسان و اعتصاب عظیم ذوب آهن اصفهان جای برجسته‌ای دارد. اعتصاب ذوب آهن بویژه نشان داد که علی‌رغم فقدان تشکیل، باز طبقه کارگر از آنچنان توانی برخوردار است و انگیزه‌های آن، بدان حد نیرومند است که بتواند در شرایط اختناق نیز به حرکت‌های گسترده و پربازتاب دست زند.

در سال ۶۲ جنبش کارگری نشان داد که به راستی نیرومندترین بخش جنبش توده‌ای است. اما جنبش کارگری عمدتاً به دلیل ضعف تشکیل در شرایط ضعف جنبش توده‌ای، تنها می‌تواند حد معینی برای حرکت در پیش رود داشته باشد. مقایسه حرکات کارگری سال ۶۲ با دو سال پس از آن، ما را به این نتیجه گیری می‌رساند که تنها کافی نیست برجایگاه و مقام جنبش کارگری در جنبش توده‌ای تاکید کنیم. به رابطه متقابل این دو که بالطبع از یکدیگر جدا نیستند اما به یک اعتبار ایزم متمایزند - نیز، باید توجه داشته باشیم. در شرایط ضعف جنبش توده‌ای، تنها تشکلهای کارگری هستند که قادرند آهنگ رشد مبارزات کارگری را حفظ کنند. این دومین نکته قابل توجه و تاکید در هنگام مقایسه جیش سال ۶۲ با حرکت‌های کارگری در سالهای ۶۴ و ۶۵ است.

از اواخر سال ۶۲ به بعد موضوع اخراج‌های دسته جمعی کارگران برجستگی یافت و در سال ۶۵ اوج گرفت. این موضوع تأثیر دوگانه‌ای بر روی مبارزه کارگران نهاد: از یک سو این موضوع حاد را در میان مجموع موضوعاتی که محورهای مبارزات کارگری هستند برجسته کرد، نفرت از رژیم و جنگ را در کارخانه و خارج از آن تعمیم برد و از سوی دیگر انگیزه حفظ شغل بر روی خواسته‌های مطالباتی دیگر سایه افکند. تا حد زیادی این عامل دوم، سال ۶۵ را از سال ۶۲ جدا می‌سازد. با این وجود مبارزات کارگری از جمله حول مقابله با اخراج‌ها از حرکت باز نایستاد. خواسته‌های کارگران در دو سال ۶۴ و ۶۵ نیز همچون سال ۶۲ عمدتاً حول محور

### بنیاد استراتژی پیش‌ساز هسنگ پرولتاریا

کمونیستهای همه‌جا از هر جنبش انقلابی بر ضد نظام اجتماعی و سیاسی موجود، پشتیبانی می‌کنند.

آنها در تمام این جنبش‌ها مساله مربوط به مالکیت را، بدون وابستگی به این که شکلی کم یا بیش رشد یافته به خود گرفته باشد، به عنوان مساله اساسی جنبش تلقی می‌کنند.

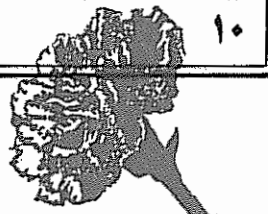
سرانجام، کمونیستهای همه‌جا برای نیل به اتحاد و توافق احزاب دموکراتیک همه‌کشور می‌کوشند.

کمونیستهای عا دارند که مقاصد و نظریات خویش را پنهان سازند. آنها آشکارا اعلام می‌کنند که تنها از طریق و از گون ساختن همه نظام اجتماعی موجود، از راه جبر، وصول به هدف‌هایشان میسر است. بگذر از طبقات حاکمه در مقابل انقلاب کمونیستی برخورد بفرزند، پرولترها در این میان چیزی جز زنجیر خود را از دست نمی‌دهند، ولی جهانی را به دست خواهند آورد.

مارکس و انگلس (مانیفست حزب کمونیست)

طرح طبقه‌بندی (مشاغل)، کشت و صنعت مغان (اعتصاب حول مجموعه‌ای از خواسته‌های مطالباتی)، دیوو (اعتصاب به خاطر شرایط کار)، پشمباف تهران (اعتراضات مداوم برای جلوگیری از بسته شدن کارخانه)، باف‌ناز اصفهان (اعتصاب برای دریافت حق بهره‌وری)، سیمان تهران (اعتراض به خاطر پائین بودن حق بهره‌وری پرداخته شده)، نکا (مخالفت با اعزام اجباری به جبهه‌ها)، ریسندگی اراک (تحصن در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه)، وزنه (گروگان گرفتن مدیر کارخانه)، ریسباف اصفهان (اعتصاب و تحصن در اعتراض به کاهش حقوق)، یولنییت اهواز (اعتصاب در اعتراض به تغییر ساعات کار به بهانه شرایط جنگی) و آرد دستاس ساری (راهپیمایی

کاهش دستمزد)، نوآفرم (اعتراضی که منجر به اخراج مدیر مکتبی منصوب از سوی بنیاد مستضعفان گردید)، ذوب آهن (ظومار نویسی علیه کاهش فوق‌العاده حقوق کار در روزهای تعطیل)، ریسندگی و بافندگی فومنت (اعتصاب حول خواسته‌های مطالباتی)، اتسفر (اعتصاب در اعتراض به شیوه پیاده کردن طرح طبقه‌بندی مشاغل)، کشتارگاه شیراز (اعتصاب با خواسته افزایش دستمزد)، ماشین‌سازی مهندس فرهمند و کارخانه مونتاژ جرق‌قیل‌های فرانسوی (اعتصاب در اعتراض به اخراج کارگران)، رادیاتور ایران (اعتصاب علیه عدم افزایش دستمزد به صورت وعده داده شده)، پالایشگاه پید بلند (اعتصاب در اعتراض به شرایط کار)، ایران ناسیونال (اعتراض در اشکال تجمع، تحصن



### آندیشه‌های يك مادر

من يك زن كارگرم ، يك ريسنده پير بر سرم نشسته است گرد سفيد سالها . چهارده ساله بودم كه رانده شدم به ميان چرخها و صداها . تنها زماني كه عروس شدم ، سه سال در خانه چان كندم . اما شوهرم كه دچار سانحه شد ، باز به سر كار آمدم .

من يك زن كارگرم ، ريسنده اي پير كارگري هستم با اصل و نسب كارگري . سال پرم از پنجاه گذشته است . از پام تا شام چان مي كنم اما همه منظره كه چرخ را مي چرخانم ، مي دانم :

ما به آخر خط نرسیده ایم!

وقتي چرواناضان را مي بينم ،

مي دانم ،

آنها وضع را تشهير خواهند داد .

من يك زن كارگرم ، ريسنده اي پير اعتصاب کرده ام ، دیده ام كه چگونه مباشر ، سود را عايد كارفرما مي كند .

احق كه نهم ،

شعور دارم :

وقتي كه چرخ دستي را مي گردانم :

مي بينم كه فرقه ها حرکت مي كنند .

پس مي انديشم ، من ، يك زن كارگر پير ، نفع ها از همه چا مي آيند ،

اول نمي دانند از كجا و به كجا

اما به شانه كه مي رسند ،

همه به هم گره مي خورند

ويكي مي شوند .

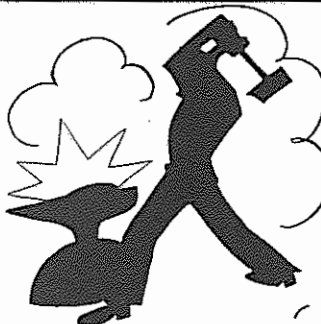
پرولترها ، درس بگيريد!

به حرکت در آيد!

همه با هم دريك جبهه متحد گرديد!

جبهه اي با ريشه در اعماق .

\* هدا تسيئر شاعره اتريشي در سال ۱۹۰۷ متولد شد . وي در سال ۱۹۲۹ به عضويت حزب كمونيست آلمان درآمد و هم اكنون در آلمان دموكراتيک زندگي مي كند .



## در سالي كه گذشت ميليونها كارگر بيكار ماندند

بقيه از صفحه ۶

بدون ميل و اراده از كار بيكار شود ، كارفرما موظف است كه خسارت بيكاري كارگر را بپردازد . اما وقتي كه بيايد اين رادروپوش بيمه بيكاري انجام دهد و درصدي را بعنوان حق بيمه پرداخت كند ، اولاً از پرداخت يك وجه بسيار زياد ناگهاني دور است ، ثانياً ممكن است ميزان پرداخت حق بيمه هرگز معادل خسارتهايي كه كارفرما بابت بيكار شدن كارگر مي پردازد نباشد . . .

بدین ترتیب رژیم با طرح بيمه بيكاري مورد نظر خود ، نه تنها به خواسته هاي اصلي كارگران پاسخ نمي دهد ، بلكه هدف اخراج ارزانتر و استخدام ارزانتر را دنبال مي كند . جنبش سياسي و مطالباتي طبقه كارگر ، علیرغم فراز و نشيبهاي سال هاي اخير ، در قلوب مبارزه عمومي ضد رژيم قرار دارد و به پيش مي رود . بيكاري فزاينده و سلاح اخراج كارگري گرچه " افت نمودی " اعتراضات كارگري را در پي داشته ولي هيچگاه قادر نخواهد بود برجايگاه جنبش كارگري ميهن در عرصه مبارزه ضد حكومتي خلل وارد سازد . رژيم از جنبش كارگري به شدت در هراس است . در مصاحبه اعضای كميسيون كار و امور اجتماعي مجلس شوراي اسلامي اين هراس بازتاب يافته است : " تازه اگر به اينها ( كارگران بيكار ) كمك نشود و پولی ندهند ، باعث مي شود كه مشكلات در جامعه بوجود آيد . وقتي كه يك كارگري بيكار مي شود و امكاناتي براي شش نيست و بيمه نكيرد ، در دسر و گرفتاري بيشترى در جامعه ايجاد مي كند . "

رژيم از همین " گرفتاری بیشتر " در هراس است .

گسترده رژیم ابعاد گسترده ای یافت . از سوی دیگر ، مسئله " بيمه بيكاري " و صندوق همياري كارگري در جنبش مطالباتي كارگري وسيعا مطرح شد . اخراجهاي گسترده ، مسئله بيكاري را در راس جنبش كارگري کشور قرار داد . اعتصابات و اعتراضات گسترده كارگري رژيم را بر آن داشت تا با " طرح قلب شده " بيمه بيكاري ، تلاش ورزد تا مبارزه اصلي كارگران را دچار انحراف سازد . طرح بيمه بيكاري مورد نظر رژيم كه بطور رسمي توسط كمالي رئيس كميسيون كار و امور استخدامي مجلس شوراي اسلامي اعلام شد ، در راستای تكميل سياست ضد كارگري رژيم مي باشد . هزينه طرح بيمه بيكاري عمدتاً بر دوش كارگران برده و دولت كمترين هزينه اي را در اين زمينه متحمل نمي شود . در مصاحبه روزنامه كيهان ۱۵ ديمه با اعضاي كميسيون كار و امور اجتماعي و استخدامي مجلس شوراي اسلامي ، تصريح شده است : " اين لايحه براي دولت بار مالي ندارد . روشي كه اين لايحه در تا مين هزينه هاي خود دارد ، اينست كه از كارگر و كارفرما حدود ۵۵ درصد حق بيمه مي گيرد كه همين وجه را در واقع بعنوان بيمه بيكاري به افراد بيكار مي دهند . " بديهي است كه كارفرما نيز هزينه پرداخت حق بيمه را بر بهاي تمام شده کالا مي افزايد و بار ديگر اين هزينه را به مصرف كنندگان و بخصوص كارگران تحميل مي كند .

در مصاحبه پيش گفته همچنين فاش شد كه طرح بيمه بيكاري با رعايت منافع كارفرمايان تدوين شده است . در آن مصاحبه اعلام گرديد : " بر اساس قانون كار اگر كارگري

### از رزمندگی...

بقيه از صفحه قبل

مي تواند به ثمر بنشيند .  
مونيسم ماترياليستي تبديل کردن يك معادله چند عاملی به يك معادله تک عاملی نیست و اگر به مونيسم ماترياليستي پايبندهايم مي توانيم در پاييم كه چگونه بايد ضمن شناختن اولويتها هدف اصلي يعني حرکت در جهت آگاه ساختن و متشكل کردن پرولتاريا ، تنها نيروي شايسته براي رهبري انقلاب آينده را از ياد نبريم . پرولتارياي ايران ، بيگيرتريين و رزمنده ترين طبقه اجتماعي در ميهن ماست . اين سخن نه كلي و شعاري ، بلكه يك استنتاج عيني ، روشن و مستدل تاريخي است . پرولتارياي ايران براي تبديل شدن به نيروي هژمون ، بايد نقشي چند برابر سهم عددي خود در تركيب جمعيت ايفا كند . تنها سازمان يابي و تعميق پيووند با پيشاهنگ قادر است به اين طبقه چنين نيروبي دهد . سازمان يابي و تعميق پيووند با پيشاهنگ اصولاً در جريان و پس از حذف قطعي موانع عمده در راه دستيابي به اين آماج ها مي تواند ابعاد طبقه اي بيايد . از همينرو در شرايط كنوني تلاش در جهت سرنوشتي هر چه سريعتر جمهوري اسلامي ، مهمترين گامي است كه بايد در جهت رسيدن به اين اهداف ، برداشته شود . هر روز از عمر اين رژيم يعني فرصتي بيشتر براي بقاي بيشتر ايدئولوژي هاي غير پرولتري ، ارتجاعی و بورژوايي در صفوف طبقه ، يعني فلاكت بيشتر طبقه ، يعني كاستن شدن از صفوف طبقه ، يعني دور افتادن آن از سلاح اصلي خود كه همانا تشكيل است ، يعني امكان پيشي گرفتن رقباً و دشمنان طبقاتي در سازمان يابي و نفوذ ايدئولوژيک . كارخانه هم امروز مهمترين سنگ رزم ماست . اما نبايد از خاطر ببريم كه بايد شرايطي را فراهم سازيم كه بتوانيم در اين سنگر ، گسترده ترين مبارزه را فراهم سازيم . نيل به اين هدف مقدم بر همه بايد از درون خود اين سنگر صورت گيرد . هر چه نقش طبقه كارگر در سرنوشتي جمهوري اسلامي بيشتر باشد ، بيشتر قادر خواهد شد در جريان سرنوشتي و پس از آن ، خود را به صورت يك طبقه ، متشكل سازد و به سنت تسخير آينده ، خيز بردارد .

### كارخانه ، چاي گد ام يك از ايدئولوژي هاست

روزنامه رسالت ۲۱ اسفند ۶۵ :

" كارخانه ها از جهتي با دانشگاهها مشابهتي خاص دارند . جريان مبارزه اسلامي در كارخانجات همانند دانشگاهها ناتي از تمرکز فعاليت فكري و تبليغي منحرفين در كارخانجات بوده است . البته در اين بعد شرق زدگان و وابستگان به تفكر ماركسيستي نقش بيشترى را دارا بوده اند . جريان غربي در كارخانه ها چون عمدتاً در شكل كار فرماها و كارخانه دارها ي وابسته تجلي داشته است ، لذا كارگران از ابتدا با آن مخالف و زمينه اي براي رشد نداشته است . ولي جريان ماركسيستي بنا به تفكرات خود چون قشر كارگر را تنها نيروهاي مورد نظر خود در مبارزه مي پندارند ، لذا فعاليت وسيعي را در جهت نشر تفكرات غير اسلامي در كارخانه ها انجام مي دهند و از آنجا كه كارخانه ها با مراكز اسلامي و روحانيت ارتباطي نداشته اند ، اين تبليغات مسموم تا حدود زيادي موثر واقع شد و لذا مي بينيم با اين كه كارگران و كارخانه ها مبارزاتي هر چند محدود در تاريخ معاصر داشته اند ، ولي اين فعاليتها عمدتاً در خط اصلي اسلام نبوده است . "

جنبش در مبارزات انتخاباتی، پرنفوذترین و سازمان یافته‌ترین نیروی سیاسی مستقل بود. این، از جمله دلایل تغییر تناسب قوا در کنفره آمریکا بر اثر انتخابات نوامبر ۱۹۸۶ محسوب می‌شود. سندیکاها قاطعانه با انحصارات، راست‌های افراطی، فاشیسم و نژادپرستی مقابله می‌کنند، در مبارزه علیه همدستی امپریالیسم آمریکا با رژیم‌های ارتجاعی و فاشیستی در آفریقای جنوبی و شیلی و حمایت از این رژیم‌ها فعالانه شرکت می‌جویند و علیه سیاست تجاوزکارانه آمریکا در نیکاراگوئه و السالوادور شدیداً دست به اعتراض می‌زنند.

اکثر سندیکاهای بزرگ کشور ما به جنبش مبارزه برای متوقف کردن تسلیحات هسته‌ای پیوسته‌اند... مطالباتی که در ایالات متحده سابقه ندارند - نظیر خواست کنترل کارخانجات توسط دولت و یا دولتی کردن صنایع و بانکها - در جنبش سندیکایی در همه سطوح هر چه بیشتر مورد بحث قرار می‌گیرند و بعنوان راه‌حلی واقعی بینانه قلمداد می‌گردند.

### افزایش آگاهی

این آگاهی که وحدت طبقاتی و بنابراین مبارزه علیه نژادپرستی بعنوان مانع راه وحدت، ضروری است، راه خود را می‌گشاید. طبقه کارگر کشور ما که شامل مردان و زنان از نژادها و ملیت‌های مختلف است، بر پایه طبقاتی هر چه یکپارچه‌تر متحد می‌گردد...

در چنین فضایی از مبارزه طبقاتی، روند رادیکالیزه شدن، تقویت اعتماد به نفس به مثابه طبقه و آنچه اهمیت ویژه‌ای دارد - تبلور آگاهی طبقاتی شتاب می‌گیرد. هر چه روشن‌تر دیده می‌شود که در سرمایه‌داری امکانات برای حل مسائل اصلی پیوسته کاهش می‌یابد، بر کشش به سوی سوسیالیسم افزوده می‌گردد.

... از آنجا که مبارزه طبقاتی قانونمند و بنابراین اجتناب‌ناپذیر است، با تغییرات در شرایط عینی و در ساختار طبقه کارگر، ماهیت طبقاتی استثمار به هیچ عنوان از بین نمی‌رود، و از این رو این تغییرات بدین معنی نیستند که مبارزه طبقاتی پایان می‌پذیرد. تغییرات مزبور، خصلت سرمایه‌داری را نیز متحول نمی‌سازند و بر ضرورت تاریخی و اجتناب‌ناپذیری سوسیالیسم خدشه‌ای وارد نمی‌آورند.

## به مناسبت فرا رسیدن اول ماه مه، روز همبستگی جهانی طبقه کارگر طبقه کارگر در جهان کنونی

### بحران ساختاری

نیز به افزایش شمار بیکاران دراز مدت می‌انجامد. ۵۰ درصد بیکاران، قربانیان تعطیل کارخانجات و رکود ساختاریند. ایشان دیگر هیچ امیدی به یافتن شغل ندارند...

در این شرایط سرمایه انحصاری ایالات متحده و دولت ریگان توانستند دست به تهاجم زده، کارزار ضد کارگری، ضد سندیکایی و نژادپرستانه بیسابقه‌ای به راه اندازند. این امر طبقه کارگر و سندیکاها را در بسیاری موارد واداشت که دست به سازش زده و موضع دفاعی بگیرند. حداقل در سالهای اخیر چنین وضعی حاکم بود.

### نشده‌بد بیکار طبقاتی

اما اینک به نظر می‌رسد که موقعیت تغییر می‌کند. اقدامات زحمتکشان و اعتصابات هر چه تهاجمی‌تر صورت می‌پذیرند. تنها ظرف شش ماه در سال گذشته، تقریباً یک میلیون کارگر در اعتصابات شرکت کردند که برخی از آنها ماه‌ها به طول انجامید...

طبقه کارگر و جنبش سندیکایی باید استراتژی و تاکتیک خود را به نقد کشیده و در آن تجدید نظر کنند...

شرایط نوین در ایالات متحده به تغییرات قابل ملاحظه‌ای در مبارزه طبقاتی و جنبش سندیکایی انجامیده است. اوضاع کنونی زمینه مساعدی برای سیاست سازش طبقاتی فراهم نمی‌سازد. در جنبش سندیکایی، به اشکال مبارزه جویانه‌تر مبارزه طبقاتی رومی‌آورند.

باید میان سیاست سازش طبقاتی که بر اپورتونیزم مبتنی است از یک سو، و موقعیت‌هایی که در آن طبقه کارگر باید دست به عقب نشینی و اتخاذ موضع دفاعی بزند، از سوی دیگر تفاوت قائل شد. مبارزه دفاعی بنا به مضمون خود، بیشتر دارای خصلت فعال ضد انحصاری است.

جنبش سندیکایی در ایالات متحده در راس مقاومت علیه شی ارتجاعی ریگان قرار گرفت. این

د صد شاغلین در این رشته‌ها "یقه‌آبی" هستند. (یعنی مستقیماً در تولید شرکت دارند - هیئت تحریریه "مسائل صلح و سوسیالیسم".)

طبقه کارگر متحول می‌شود، اما نه از میان می‌رود و نه به لحاظ عددی از گستره آن کاسته می‌شود. طی پنج سال گذشته ۱۰ میلیون نیروی کار جدید بر طبقه کارگر ایالات متحده افزوده شده است. اکنون ۷۵ درصد نیروی کار در بخش خدمات، در پست و مخابرات و سایر شاخه‌هایی شاغلند که در آن "یقه‌سفید"ها، یعنی کارمندان، اکثریت دارند.

... در کنار تعطیل کارخانجات شاخه‌های پایه‌ای صنایع، تکنیک نوین این تاثیر را دارد که کارخانه‌ها به مناطق غیر صنعتی که فاقد سندیکا هستند انتقال می‌یابند. در نتیجه، مراکز صنعتی از بین می‌رود و بخش‌های اصلی طبقه کارگر پراکنده می‌شود...

### رکود و بیکاری

در دوره بحرانها، در صنایع می‌توان گرایش عمومی به سمت رکود و افول را مشاهده کرد. این گرایش به ویژه در شاخه‌های با شدت کار بالا، محسوس است. چقدر این حکم لنین صادق است که نوشت: "گرایش به رکود و پس‌پسندگی که ویژگی انحصار است، کماکان موثر است و در برخی رشته‌های صنایع و برخی کشورها برای دوره‌های زمانی معینی دست بالا را می‌گیرد." علت این امر بطور عمده اقدام انحصارات مبنی بر "اعتصاب سرمایه‌گذاری" است، بدین ترتیب که آنها حاضر نیستند برای مدرنیزه کردن شاخه‌های پایه‌ای صنایع که نیازمند نیروی کار زیادند، سرمایه‌گذاری کنند. در عوض، تولید به مناطقی منتقل می‌شود که هزینه آن کم و سود آن زیاد باشد.

دوره بحرانها در ایالات متحده همچنین با افزایش بیسابقه شمار بیکاران دراز مدت و دائمی همراه است. حتی در فاز صعودی دورتسلسل اقتصادی، رقم بیکاری بیش از ۱۰ درصد است. بکارگیری فنون جدید

گس‌هال دهبهر کل حزب کمونیست آمریکا طی مقاله‌ای با عنوان "مسائل جدید مبارزه طبقاتی" در "مسائل صلح و سوسیالیسم"، شماره ۱ سال ۱۹۸۷ می‌نویسد:

"مهمترین ویژگی مرحله کنونی این است که برای سرمایه‌داری جهانی، دوره‌ای از بحرانها، رکود و افول آغاز شده است. هرج و مرج و بی‌ثباتی ابعاد بیسابقه‌ای یافته است. مرکز این زلزله، ایالات متحده آمریکاست. ریشه عمیق‌تر بحرانهای متعدد، بی‌تردید بحران عمومی سرمایه‌داری جهانی است که کماکان بنیادهای نظام انحصاری را از بین می‌برد.

در آمریکا آخرین دور تسلسل اقتصاد، هنوز کاملاً وارد فاز رونق نشده بود که بحران ادواری جدیدی آغاز شد. بحرانهای ادواری که از پی هم ایجاد می‌شود، به "پدیده‌ای عادی" تبدیل شده است.

طی ده سال گذشته، بحران ساختاری که متضمن تغییر، دگرگونی و از بین رفتن ساخت بنیانی صنایع است، به هرج و مرج و از هم‌پاشی انجامیده است. این بحران، شاخه‌های کاملی را از بین می‌برد، مراکز صنعتی را به شهرهای ارواح تبدیل می‌کند و به تعطیل هزاران کارخانه می‌انجامد، به گونه‌ای که میلیونها انسان آواره و از امرامعاش محروم می‌گردند. روند خانه خراب کردن طبقه کارگر از این طریق خصلت نوینی به خود گرفته است.

### تغییرات در طبقه کارگر

به علت بحران ساختاری و اتوماسیون و نیز بکارگیری "رابوت"ها و مدارهای ادغام شده الکترونیکی، ترکیب نیروهای شاغل تغییر کرده است. هم‌اکنون در صنایع فرایندی آمریکا ۵ میلیون کارگر کمتر از بخش تجارت و توزیع شاغلند، بانکه تکنولوژی نوین گام به گام به شاخه‌هایی از صنایع سنگین که شدت کار در آن زیاد است راه می‌یابد، ۶۰

به مناسبت فرا رسیدن اول ماه مه، روز همبستگی جهانی طبقه کارگر

## طبقه کارگر در جهان کنونی

### سال کنگره جهانی سندیکاها

به منظور دفاع از آرمانهای صلح و همکاری و مبارزه برای طرز فکری نوین و معیارهایی نوین در عملکرد بین‌المللی، ممکن است، طرز فکر و معیارهایی که در عصر اتم ضرورت می‌یابند...

#### شرایط حساس جهانی

کنگره مادر موقعیت فوق‌العاده حساس و دشواری تشکیل شد، در زمانی که می‌توان گفت بشریت به نقطه عطفی رسیده است. از یک سو، دستاوردهای انقلابی و دگرگونیهای مترقی گسترش یافته، و استقلال ملی خلقهای از بندرسته از سلطه استعماری و امپریالیستی تحکیم شده است. از سوی دیگر نیروهای ارتجاعی امپریالیستی که نمی‌خواهند به تحولات مترقی در جهان و به گرایش عمومی پیشرفت در راه استقلال و ترقی اجتماعی تن دهند، فعال تر شده اند.

وضعیت اقتصادی بین‌المللی رو به وخامت است. این خطر واقعی وجود دارد که موقعیت در کشورهای رشدیابنده بر اثر سیاست ارزی و مالی و نیز اقدامات پروتکسیونستی (۱) کشورهای صنعتی سرمایه‌داری به فاجعه بیانجامد. عوامل عمده دیگر در بی‌ثباتی اقتصادی، از جمله عباراتند از افزایش بی‌سابقه قرض خارجی کشورهای "جهان سوم" و نرخ بالای بهره و سایر فشارهای اعمال شده بر این کشورها از سوی صندوق بین‌المللی پول و سایر سازمانهای مالی سرمایه‌بزرگ. در این کشورها بیکاری، کمبود اشتغال، تورم، مهاجرت به شهرها، بحران مسکن، مشکلات حمل و نقل، فقدان امکانات آموزش، کمبود مواد غذایی و گرسنگی بطور فزاینده‌ای به مسائل حاد تبدیل می‌شوند. کنترل سطح زندگی زحمتکشان در کشورهای صنعتی سرمایه‌داری به مثابه نتیجه مستقیم تشدید بحران نیز در دوره اخیر ایجاد بسیار نگران‌کننده‌ای به خود گرفته است. در جهان شمار کسانی که ناچار به زندگی "زیر مرز فقر" هستند، پیوسته افزایش می‌یابد. سرمایه، به کمک دولتهای

در شماره ۱۲ سال ۱۹۸۶ "مسائل صلح و سوسیالیسم" مقاله‌ای تحت عنوان "جنبش سندیکایی پس از کنگره جهانی" به قلم ابراهیم زکریا، دبیر کل فدراسیون جهانی سندیکایی به چاپ رسیده است. ابراهیم زکریا می‌نویسد:

"اکنون جنبش کارگری در کشورهای مختلف، تحت تاثیر نیرومند یازدهمین کنگره جهانی سندیکاها، که از شانزدهم تا بیست و دوم سپتامبر ۱۹۸۶ در برلین (جمهوری دمکراتیک آلمان) برگزار شد، گسترش می‌یابد. این کنگره از بسیاری وجوه بیسابقه بود.

اولا کنگره فراگیرترین گردهمایی در کل تاریخ جنبش جهانی سندیکایی به شمار می‌رفت. در کنگره، ۱۰۱۴ نماینده از ۴۲۲ سازمان ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به نمایندگی از ۲۹۶ میلیون زحمتکش سازمان یافته در همه قاره‌ها شرکت کردند.

ثانیا این کنگره، مجمع مباحث جهانی سندیکایی بود که طیف گسترده‌ای از جریان‌های متفاوت در جنبش کارگری بین‌المللی را در بر می‌گرفت. ۴۵۲ شرکت کننده، سازمانهای وابسته به فدراسیون جهانی سندیکایی را نمایندگی می‌کردند و ۵۶۲ تن، فرستادگان اتحادیه‌های سندیکایی وابسته به سایر فدراسیونهای بین‌المللی و با نمایندگان سندیکاها مستقل بودند.

ثالثا کنگره علیرغم اختلافات در سمت‌گیری سیاسی و ایدئولوژیک و علیرغم این واقعیت که فدراسیون جهانی سندیکایی به مثابه سازمانده این گردهمایی در آن اکثریت نداشت، تصمیمات خود را به اتفاق آرا اتخاذ کرد. کنگره اسناد اصلی را که در آن نظر مشترک سندیکاها و جهان امروز درباره مسائل اصلی فراروی زحمتکشان تک تک کشورها در حال حاضر، فرموله شده است، مورد تصویب قرارداد.

بنابراین کنگره نشان داد متحد کردن نیروهای طبقه کارگر و همه زحمتکشان و بسیج افکار عمومی جهان

بحران تعمیق یابنده سرمایه‌داری تاثیر نامساعدی بر وضع همه زحمتکشان و خلقها دارد. این بحران به درجه معینی در کشورهای سوسیالیستی نیز موثر است. این کشورها به دلیل مناسبات تجاری و اقتصادی خود، کشورهای سرمایه‌داری ناچارند امروز مبالغ بسیار بیشتری بابت کالاها و مواد خام وارداتی خود بپردازند. اما به علت مالکیت اجتماعی بر ابزار تولید و خصلت دمکراتیک برنامه‌ریزی و اداره اقتصاد، در این کشورها عواقب ناگوار که در کشورهای سرمایه‌داری همه جا دیده می‌شود، وجود ندارد...

#### تکنولوژی نوین

#### در خدمت کارگران با سرمایه‌داران؟

تکنولوژی نوین می‌تواند به تشدید استثمار سرمایه‌داری و یا ارتقای سطح رفاه انسانها بیانجامد، می‌تواند در خدمت ترقی اجتماعی و بسود زحمتکشان باشد و یا آزمندی و سودپرستی انحصارات فراملیتی را ارضا کند... این همه بسته به آن است که نتیجه مبارزه اجتماعی چه باشد.

بکارگیری دستاوردهای علم و فن در تولید، افزایش وابستگی متقابل در اقتصاد جهانی، فعالیت در انحصارات فراملیتی، سیاست ضد کارگری هماهنگ شده دولتهایی که مرکز انحصارات بین‌المللی در آنها قرار دارد، الزامات همبستگی حکم می‌کند که اقدامات سندیکایی برای دفاع از منافع زحمتکشان بیشتر هماهنگ شود، روز به روز آشکارتر می‌گردد که هیچ سازمانی به تنهایی نمی‌تواند مسائلی را که بدینگونه ایجاد می‌گردند حل کند. زمان آن فرا رسیده است که اقدامات قاطعی برای ارتقا سطح همکاری بین‌المللی سندیکاها، هماهنگی بیشتر فعالیت آنها و گسترش اتحاد عمل در رابطه با مهمترین مسائل اجتماعی، انجام پذیرد. ترقی اجتماعی، بدون مشارکت دمکراتیک زحمتکشان و خلقها غیرقابل تصور است. از این رو سندیکاها باید از نیروی خود برای به کرسی نشاندن شیوه دمکراتیک مدیریت اقتصادی بهره‌گیرند.

(۱) پروتکسیونسم: ممانعت از آزادی مبادلات اقتصادی و تجاری از طریق برقراری حقوق و عوارض گمرکی و حمایت مالی دولت از تولیدکنندگان داخلی در برابر رقابت خارجی.

بورژوازی بورژوازی به سطح زندگی زحمتکشان و حقوق آنها برده است که از هنگام پایان جنگ جهانی تاکنون بیسابقه بوده است. نه تنها بقای قراردادهای جمعی و نظام‌های تامین اجتماعی، بلکه همچنین آینده خود سندیکاها نیز در خطر است. هدف این حملات آن است که طبقه کارگر را از دستاوردهایی که طی دهه‌ها سال مبارزه سندیکایی کسب کرده است، محروم ساخته و روند تکامل اجتماعی را به عقب بازگرداند...

#### بورژوازی سرمایه‌داران به زحمتکشان

مهمترین ویژگی موقعیت کنونی این است که سرمایه بزرگ، دست به بورژوازی هم چانه و هماهنگ شده علیه منافع حیاتی زحمتکشان زده است. کارفرمایان می‌کوشند از دستاوردهای انقلاب علمی-فنی، تکنولوژی نوین و در ارتباط با آن تغییرات ساختاری در طبقه کارگر برای اعمال تبعیض در نحوه استخدام و پایین آوردن دستمزدها بهره‌گیرند. نرخ‌هایی که طی سالها مذاکرات پیرامون قراردادهای دسته‌جمعی تعیین شده‌اند، تغییر می‌یابند و یا به طور کلی لغو می‌شوند. آشکارا می‌کوشند مذاکرات در رابطه با قراردادهای جمعی را به "مذاکرات تسلیم" تبدیل کنند. انحصارات از شیوه‌های باج خواهی و اعمال فشار بهره می‌گیرند و خواستار آنند که زحمتکشان با کاهش بودجه اقدامات رفاهی و دستمزدها موافقت کرده از مطالبه تضمین برای حفظ مشاغل چشم‌پوشی نمایند...

در کشورهای عضو "سازمان همکاریهای اقتصادی برای رشد" (در برگیرنده کشورهای سرمایه‌داری - م. و برخی کشورهای رشد یابنده سیاست "غیردولتی‌کردن" و "خصوصی کردن" به ایجاد گسترده‌ای اعمال می‌گردد. صندوق بین‌المللی پول اعمال این سیاست را شرط اعطای اعتبار به کشورهای "جهان سوم" قرار داده است...

## افزایش نقش طبقه کارگر

متنوع تر شده است، بهتر می‌تواند به امر بسیج همه اقشار اجتماعی ای یاری رساند که با گوشت و پوست خود - اگر چه به درجات متفاوت - عواقب منفی حکمرانی سرمایه‌داری و بحران را حس می‌کنند. طبقه کارگر هر چه علیرغم تنوع خود به ماهیت طبقاتی خویش بیشتر پی برد، فعالانه‌تر می‌تواند این وظیفه را انجام دهد.

در اینجا به مسئله مهمی می‌رسیم. وقتی می‌گوییم مرزهای طبقه کارگر گسترده‌تر و بر نقش و تنوع این طبقه افزوده شده است، این بدان معنی نیست که مسئله آگاهی طبقاتی حل شده است.

از یک سو نامدتها نقش، مشاغل و روابط اجتماعی سنتی به بقای خود ادامه خواهند داد. از سوی دیگر بسیاری از تکنسین‌ها و مهندسان که جزو طبقه کارگرند، هنوز بدین امر آگاهی نیافته‌اند و حتی این واقعیت را قاطعانه منکر می‌شوند و البته در تصور آنها مبارزه طبقاتی نمی‌گنجد...

روی هم رفته، تحولات اجتماعی نشان می‌دهد که ما با واقعیت چند جانبه‌ای مواجهیم. از یک سو شرایط عینی در خدمت نزدیکی بخشهای مختلف طبقه کارگر و اتحاد همه زحمتکشان است، و از سوی دیگر عملکرد کارفرمایان و چندگونگی نقش زحمتکشان و شیوه زندگی آنها به تفرقه می‌انجامد.

این روند متناقض این سؤال را پیش می‌آورد که چگونه می‌توان با توجه به تمایز موجود در عملکرد و روحیه انسانها، وحدت نوین طبقه کارگر را به وجود آورد؟ واقعیت استثمار سرمایه‌داری و موجودیت دشمن طبقاتی همچنان برهانی قوی است که همه آنها را به جزو طبقه کارگرند، به مبارزه برای تغییر وضع خود و دگرگون ساختن جامعه فرا می‌خواند. در همین حال، طبقه کارگر تنها در روند تولید دارای جایگاهی ویژه نیست، بلکه شیوه خاصی از مصرف و زندگی نیز دارد. از این رو آگاهی طبقاتی نه تنها در کارخانه، بلکه در همه عرصه‌های دیگر زندگی شکل می‌گیرد.

بنابراین رابطه‌ای دیالکتیکی میان تلاشهای ما برای اتحاد طبقه کارگر و تلاش برای جنبش متحد و نوین اکثریت خلق وجود دارد. وحدت طبقه کارگر و ایجاد چشم‌انداز سیاسی منطبق بر آن، همه اقدامات متحدی خواهد بود که در آن باید تجارب اتحادهای مادر نظر گرفته شود و رکورد حاضر برطرف گردد...\*

مضمون فکری بیشتری است و شامل نقش های جدیدی در تولید است. وزن طبقه کارگر در زندگی کشور افزایش می‌یابد...

مرزهای میان بخش تولید و مبادله از میان می‌رود و شرایط ایجاد می‌شود که در آن فعالیت برخی گروههای کارمندان در ارتباط بلاواسطه با روندهای تولید در صنایع قرار می‌گیرد.

بدین ترتیب طبقه کارگر شامل کارگران کمکی، کارگران دارای تخصص پایین و متخصص، اکثریت تکنسین‌ها و مهندسان و نیز آندسته از مؤدبگیران می‌گردد که عنوان کارمند دارند.

امروز نباید تنها کارگران را در زمره طبقه کارگر به شمار آورد؛ نه به دلایل صوری، بلکه به علت واقعیت عینی.

### رسالت طبقه کارگر

طبقه کارگر که در ترکیب خود

مبنای تولید مادی هستند. در چنین شرایطی این ادعا که افزایش تخصص و اهمیت فزاینده کار فکری به محو طبقه کارگر می‌انجامد، بدین معنی است که طبقه کارگر را تنها در ارتباط با کار بدی و نه در ارتباط با تولید ببینیم. هر کس از چنین موضعی دفاع کند، یا خود را فریب می‌دهد و یادگیران را، و رابطه دیالکتیکی میان تکامل جامعه و تغییرات در طبقه کارگر را در نمی‌یابد...

امروز نیز مانند گذشته طبقه کارگر شامل همه آنهاست که در گروههایی از زحمتکشان، ثروت مادی و ارزش می‌آفرینند و ابزار تولید را در مالکیت خود ندارند. البته اشکال تولید و خصلت ارزش‌های تولید شده و نیز گروههای زحمتکشان تغییر یافته‌اند، اما این تغییرات همراه با تغییر خود انسانها بوده و از طریق تغییر آنها امکان پذیر گردیدند.

فعالیت کارگران امروز دارای

رئه لوگوئن عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه در مقاله‌ای با عنوان "پیشرفت فنی و جامعه فرانسه" از جمله به نقش طبقه کارگر در شرایط جدید می‌پردازد. در این مقاله که در مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم"، شماره ۱ سال ۱۹۸۷ به چاپ رسیده، آمده است: "...برخی معتقدند تحول اجتماعی بدانجا می‌انجامد که طبقه کارگر به تدریج از میان برود. برخی دیگر اظهار نظر می‌کنند که این طبقه "از هم می‌پاشد" و "مرزهای روشن" خود را از دست می‌دهد. در این استدلال این واقعیت که طبقه کارگر سازنده اصلی و آگاه تاریخ است، نفی می‌گردد.

هر کس از چنین نظراتی دفاع کند، نمی‌بیند و یا نمی‌خواهد اعتراف کند که موجودیت طبقه کارگر با نقش تعیین کننده تولید و پدیده‌ای اجتماعی یعنی استثمار سرمایه‌داری پیوند خورده است. علم و فن امروز

## دورنما در کشورهای رشدیابنده

نفوذهایی و برد ایدئولوژی سوسیالیسم علمی، و سطح تشکیلاتی و خصلت توده‌ای احزاب مارکسیست - لنینیست ارتقا خواهد یافت. پندارهای رفرمیستی که اکنون در کشورهای در حال توسعه گسترش یافته است و در پیوند با سوسیالیسم ملی است رنگ خواهد باخت. جایگاه ناسیونالیسم خرده‌بورژوازی تضعیف خواهد شد و به جای آن ناسیونالیسم ضد امپریالیستی که بصورت فزاینده‌ئی در آسیا و آفریقا گسترش یافته، به صورت فعال‌تری به اتحاد با سوسیالیسم علمی روی خواهد آورد.

کشورهای مترقی جدیدی با ماهیت دمکراسی ملی و انقلابی و دارای ستمگری سوسیالیستی بوجود خواهند آمد، که پیوندهای خود را با کشورهای سوسیالیستی، یعنی متحدین طبیعی خود در مبارزات ضد امپریالیستی تحکیم خواهند بخشید. امروز حتی می‌توانیم بگوئیم که در جریان تکامل روند انقلابی جوامعی با معیارهای مورد قبول مارکسیست - لنینیست‌ها و دمکراتهای انقلابی در ضمن مبارزه برای تحکیم استقلال ملی و در راه تامین دمکراسی و سوسیالیسم بوجود خواهد آمد\*

گفت طی چند دهه آتی تحولات انقلابی و ترقی‌جویانه، و دارای اهمیت تاریخی بوقوع خواهد پیوست. پروتاریای صنعتی از لحاظ کمی افزایش خواهد یافت و در فاصله هر ۲۰ الی ۲۵ سال دو برابر خواهد شد. آگاهی سیاسی و سطح تشکیلاتی این طبقه ارتقا بیشتری خواهد یافت. طبقه کارگر در مبارزه علیه امپریالیسم و سرمایه‌داری ملی، و در راه صلح، دمکراسی و ترقی اجتماعی نقش بیشتری بعهده خواهد داشت و در بعضی کشورها نقش رهبری کننده را کسب خواهد کرد.

تحولات چشمگیری نیز در میان دهقانان، که هنوز بخش عمده جمعیت را در کشورهای رها می‌یافته تشکیل می‌دهند، رخ خواهد داد. دهقانان بیش از پیش بعنوان یک طبقه متمایز خواهند شد. پروتاریای کشاورزی از لحاظ کمی افزایش خواهد یافت و عمیقاً ریشه خواهد دواند و استخوان بندی جمعیت روستا را تشکیل خواهد داد. تعداد دهقانان بی‌زمین افزایش می‌یابد و در کنار پروتاریای کشاورزی برای زمین و بهبود شرایط و سرخوش فلاکت باز خویش مبارزه خواهند کرد.

آگاه‌میسین ر. اولهانسکی در گفتگویی با مجله "سوسیالیسم، تئوری و پراکتیک" (ژوئن ۱۹۸۶) به بررسی چشم‌انداز تحولات در کشورهای رشدیابنده پرداخت. در بخشی از این مصاحبه آمده است:

بسیاری از کشورهای رها می‌یافته به تغییرات قابل توجهی در ساختار اجتماعی و اقتصادی دست یافته‌اند و آگاهی سیاسی زحمتکشان در این کشورها ارتقا یافته است. ولی این کشورها بهر حال در بند سیستم اقتصادی امپریالیستی‌اند و تنها تعداد معدودی از آنها، نظیر هند و غیره... به سطح متوسطی از توسعه سرمایه‌داری رسیده‌اند و با به چنین سطحی از توسعه نزدیکند. اما با گذشت زمان، استقلال سیاسی و اقتصادی این کشورها در روند مبارزه رها می‌بخش ملی و در اتحاد با جهان سوسیالیستی و منجمد اتحاد شوروی مستحکم خواهد گردید.

اگر بخواهیم از دیدگاه مارکسیست - لنینیستی ترقی و پیشرفت کشورهای رها می‌یافته را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، باید

## مرحله ای جدید در همکاری های رژیم های ایران و ترکیه علیه پناهندگان

ایرانی به رژیم خمینی، از سوی دولت ترکیه کماکان رو به گسترش است. بطوریکه دولت ترکیه، طی ماههای اخیر (مطابق اطلاعی که گزارشگران جراید خارجی می دهند) عده کثیری از ایرانیان پناهنده را به جمهوری اسلامی مسترد نموده است. طبق اطلاع روزنامه نروژی Aftenbladet شماره ۲۸ مارس ۱۹۸۷، دولت ترکیه در خلال ۱۲ ماه گذشته، حدود ۵۰۰ تن از مخالفین رژیم فقها را به ایران برگشت داده است. این روزنامه هم چنین خبر داده است که تنها در ماه گذشته ۱۵۰ ایرانی در استانبول توسط پلیس امنیتی ترکیه دستگیر و به ایران تحویل داده شده اند.

با سفر هیات ایرانی به آنکارا، که زمینه سفر محتملی وزیر کشور و آنچنانکه گفته می شود، احتمال سفر علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه را نیز بوجود آورده است، انتظار می رود که متعاقب توافق های صورت گرفته و آتی، فشار بر پناهندگان و مخالفین سیاسی رژیم خمینی، از طرف دولت فاشیستی ترکیه ابعاد بمراتب گسترده تر و خطرناک تری بیابد.

اکنون با استناد به این قرارداد درصددند به استرداد پناهندگان سیاسی شکل قانونی بدهند. هیات ایرانی در این سفر که مشاور شورای عالی قضایی رژیم جمهوری اسلامی را نیز همراه داشت، همچنین با وزیر کشور ترکیه و معاون وزارت دادگستری آن کشور نیز ملاقات داشته است، که با توجه به مسئولیتهای طرفین، محور مذاکرات عمدتاً مسأله پناهندگان سیاسی ایرانی در ترکیه و توافق بر روی ممانعت از عبور ایرانیان به خاک ترکیه و استرداد مهاجرین بود. وزیر کشور ترکیه، در طی این دیدار "ضمن تاکید بر روابط خوب فی مابین و ضرورت همکاریهای متقابل" در سمت فعال شدن هر چه بیشتر همکاریهای امنیتی و اطلاعاتی دور رژیم، خواستار سفر عنقریب وزیر کشور جمهوری اسلامی به آنکارا شده است.

همانگونه که ما در گزارشهای متعدد نشریه "اکثريت" در مورد پناهندگان ایرانی در ترکیه، بازتاب داده ایم، روند استرداد پناهندگان

هفته گذشته، با سفر یک هیات ایرانی به سرپرستی مدیر کل کنسولی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی به آنکارا، همکاریهای اطلاعاتی رژیمهای ایران و ترکیه و عملکرد هماهنگ آنان علیه پناهندگان ایرانی وارد مرحله جدیدی شد. طبق خبری که از جریان این سفر در "کیهان هوایی" مورخه ۲ اردیبهشت درج شده است، طرفین ایرانی و ترک بر احیاء اجرای قرارداد قدیمی استرداد مجرمین بین دو کشور تاکید کرده اند. قرار داد مذکور، در سال ۱۹۲۷ بین دولت های ایران و ترکیه منعقد گردیده است که مطابق مفاد آن امضا کنندگان موظف به تحویل مجرمین به یکدیگر می باشند. بیرون کشیدن قرارداد کهنه ۱۹۲۷ از میان غبارهای بایگانی وزارت امور خارجه، صرفاً در چارچوب "قانونی" کردن اعمال فشار فزاینده بر مخالفان سیاسی رژیم فقها و تحویل پناهندگان سیاسی به ایران صورت گرفته است. قرارداد ۱۹۲۷ که در زمان رضا خان و آتاتورک میان دو کشور منعقد گردید، در اصل تنها شامل مجرمین جنایی می شد.

## صدر حزب کمونیست دانمارک

### درگذشت

رفیق یوان یسن صدر حزب کمونیست دانمارک روز دوشنبه ۱۲ آوریل ۱۹۸۷ در سن ۶۷ سالگی پس از یک بیماری طولانی درگذشت. وی که در سال ۱۹۴۰ به عنوان دبیر سندیکای کارگران صنایع فلز در منطقه لوتگ بو انتخاب شده بود، در سال ۱۹۴۵ به حزب کمونیست دانمارک پیوست. رفیق یسن در سال ۱۹۵۲ به عضویت کمیته مرکزی حزب درآمد. او در سال ۱۹۷۵ به نمایندگی پارلمان انتخاب شد و پس از درگذشت صدر حزب در سال ۱۹۷۷، عهده دار رهبری حزب کمونیست دانمارک گردید.

از سوی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) پیام تسلیتی خطاب به کمیته مرکزی حزب کمونیست دانمارک ارسال گردید و در آن تاکید شد که "کوششها و مبارزات بی وقفه رفیق یسن برای طبقه کارگر، جنبش ترقیخواه و صلح جویانه دانمارک و بعنوان یک انترناسیونالیست برجسته و پرتلاش در خانواده بزرگ طبقه کارگر جهانی فراموش ناشدنی است."\*

## ۲۴ آوریل

### روز قتل عام آرامنه

بقیه از صفحه آخر

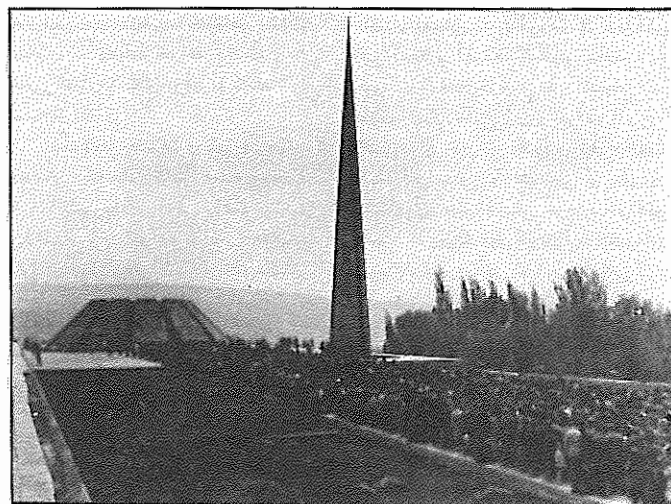
ترکیه کشتاری آغاز گشت که تا ۱۹۱۶ ادامه یافت.

بشویک ها از همان زمان مبارزه سختی را علیه اینگونه اقدامات امپریالیستها و دیگر نیروهای ارتجاعی سازمان دادند و برابری کامل ملل و حق تعیین سرنوشت خلقها تاکید نمودند. در پائیز ۱۹۱۵ کنفرانس سیمروالد احزاب سوسیالیستی سیاست ضد مردمی ارتجاع امپریالیستی علیه خلق ارمن را شدیداً محکوم نمود. قتلنامه این کنفرانس در این زمینه به امضای نینز رسید.

انقلاب کبیر اکتبر برای خلقهای روسیه و از جمله خلق ارمن رهایی ملی و اجتماعی را به ارمنان آورد. سوسیالیسم در روابط ملیت های مختلف، اصول برابری انسانی را تقویت نمود. به دنبال شورهای مسلحانه در شهرهای الکساندراپول،

انقلابی ارمنستان این پیروزی را تبریک گفت. آزادسازی کامل ارمنستان از چنگ منشیوک های گرجستان که منقله "لری" را در اشغال داشتند، دانشک ها که ایروان را متصرف بودند، اشغالگران ترک که الکساندراپول را در دست داشتند و همچنین آزادسازی زانکزو از چنگ

قارص، ساری قیش، بانیریه، شامادین، زانکوزور، کاروانسرا و دلجان علیه دولت دانشک ها در ۲۲ مه ۱۹۲۰ و تداوم آن، در نوامبر ۱۹۲۰ پیروزی نظام شورایی در ارمنستان اعلام گشت. در ۲ دسامبر ۱۹۲۰. ای. نینز با ارسال تلگرامی به س. کاسیان رئیس کمیته نظامی -



بنای یادبود شهدای ارمنی در شهر ایروان

نیروهای ضد انقلاب تا ژوئیه ۱۹۲۱ به درازا کشید.

سوسیالیسم امکانات وسیعی را برای رشد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خلق ارمن پدید آورد. در این زمینه به ذکر یک نمونه اکتفای می شود. در جمهوری ارمنستان شوروی از هر ده هزار نفر ۱۸۷ نفر دانشجو هستند، در حالیکه این رقم در انگلستان ۹۵، در آلمان فدرال ۹۶، در فرانسه ۱۶۵ و در ژاپن ۱۴۹ می باشد. در جمهوری ارمنستان بیش از بیست هزار دانشمند به کار مشغولند.

در غرب، برخی تاریخ نویسان و مبلغین بورژوازی کوشش می کنند قتل عام تاریخی آرامنه در سال های ۱۹۱۵-۱۹۱۶ را مسکوت گذارند و حتی وقوع آنرا منکر شده و آن را در حد یک "جایجایی" جمعیت جلوه دهند، همان شیوه ای که در مقابل ماهیت و دلایل اصلی جنگ جهانی دوم و عملکردهای وحشیانه فاشیسم در پیش گرفته شد.

آرامنه جهان، در ارمنستان شوروی و در سراسر جهان و بسیاری نیروهای مترقی هر ساله در ۲۴ آوریل، خاطره یک و نیم میلیون شهید ارمنی را گرامی می دارند.\*

### اجلاس شورای ملی فلسطین

اجلاس شورای ملی فلسطین در الجزیره از مهمترین رویدادهای جهان طی هفته گذشته بود. این اجلاس تحت شعار "اجلاس وحدت فلسطین" و بلافاصله پس از انتشار اعلامیه ای از سوی کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین دایر بر لغو موافقتنامه فوریه ۱۹۸۵ میان یاسر عرفات و ملک حسین تشکیل شد.

موافقتنامه عمان منجر به اختلافات شدیدی در درون ساف گردید. در این معاهده توافق شده بود که در مذاکرات صلح خاور نزدیک هیات مشترکی اردن و فلسطین را نمایندگی کند.

لغو موافقتنامه عمان، شرط سازمانهای چپ فلسطین برای شرکت در اجلاس الجزیره بود.

یاسر عرفات در سخنرانی افتتاحیه اجلاس الجزیره از تلاشها و ابتکارهای شاذلی بن جدید رئیس جمهور الجزایر و کشورهای سوسیالیستی در کمک به احیای وحدت ساف قدر دانی کرد. عرفات گفت: "ما در راه حل همه جانبه و عادلانه مسئله خاور نزدیک مبارزه می کنیم." وی خواستار تشکیل کنفرانس بین المللی خاور نزدیک تحت سرپرستی سازمان ملل متحد شد.

شورای ملی فلسطین با اکثریت قریب به اتفاق آرا با عضویت حزب کمونیست فلسطین در سازمان آزادیبخش فلسطین موافقت کرد. حزب کمونیست فلسطین با ۱۹۹ رای موافق، یک رای ممتنع و دروای مخالف به یکی از سازمانهای تشکیل دهنده ساف که با دیگر سازمانها دارای حقوق کاملا برابر است تبدیل شد. یکی از سخنگویان حزب کمونیست فلسطین بدنبال این رای گیری خواهان اختصاص یک کرسی در کمیته اجرایی ساف به این حزب گردید.

شورای ملی فلسطین تصمیم گرفت روابط ساف با مصر تا زمانی که معاهده کمپ دیوید لغو نشده است گسترش نیابد. شورا، اتخاذ تصمیم درباره چگونگی روابط آینده با مصر را به پس از گزینش کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین موکول کرد.

### کامسومول

#### سبک کار خود را منتهول می سازد

بسیستین کنگره اتحادیه لنینی جوانان کمونیست اتحاد شوروی، کامسومول، که گزارش تشکیل آن را در شماره گذشته دادیم، روز شنبه ۱۸ آوریل به کار خود پایان داد. مسائل اصلی مورد بحث در این کنگره عبارت بودند از: سهم جوانان شوروی در اجرای مصوبات کنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی، مشارکت فعال تر جوانان در شتاب بخشیدن به رشد اجتماعی - اقتصادی کشور و افزایش نقش کامسومول در نظام سیاسی اتحاد شوروی. کنگره کامسومول چهار روز به طول انجامید.

در قطعنامه کنگره کامسومول آمده است دکترگونی انقلابی همه جوانب زندگی اجتماعی، امکانات گسترده تری برای رشد ابتکار جوانان و کامسومول نسبت به آنچه تاکنون در عمل شناخته شده و توسط کامسومول در فعالیت رهبری سیاسی خود به کار بسته شده است، می کشاید. کنگره با انتقاد از سبک کار بوروکراتیک گذشته، اساننامه جدیدی را مورد تصویب قرارداد که در آن حقوق سازمانهای پایه در گسترش ابتکارهای مستقل افزایش یافته است.

### کاهش تشنج در آرژانتین

با شورشیان مذاکره کرد. بدنبال این مذاکرات، ۸۰ افسر شورش خود را تسلیم نیروهای دولتی کردند.

شورش هنگامی آغاز شد که سرگرد سابق باررو برای اجتناب از بازجویی در مورد جنایات زمان دیکتاتوری نظامی به پادگان یک هنگ چترپاز در کوردوبا گریخت. با آنکه شورش کوردوبا در روز جمعه ۱۷ آوریل پایان یافت، باررو موفق به فرار شد. طی روزهای گذشته میلیونها تن از مردم آرژانتین علیه شورشیان و در دفاع از دموکراسی دست به تظاهرات زدند. در روز یکشنبه ۱۹ آوریل، نمایندگان احزاب، سندیکاها و اتحادیه های کشور منشوری را امضا کرده طی آن تعهد خود را به نظام دموکراسی آرژانتین مورد تاکید قرار دادند. مردم با برپایی تظاهراتی در سراسر کشور خواهان پایان دادن به شورش نظامیان گردیدند.

ناآرامی در میان نظامیان آرژانتینی که گزارش آن در شماره گذشته "اکثریت" به چاپ رسید، هفته گذشته با برکناری و کناره گیری بخشی از فرماندهان ارتش این کشور فروکش کرد. پس از آنکه در روز سه شنبه گذشته در برخی پادگانها اعتراضاتی نسبت به انتصاب ژنرال خوزه کاردیدی به سمت رئیس جدید ستاد نیروی زمینی صورت گرفت، در روز چهارشنبه وضعیت در این پادگانها "کاملا عادی" توصیف گردید. همچنین اعلام شد دولت و دادگاههای آرژانتین در صدد محاکمات جاری مربوط به نقض حقوق بشر از سوی نظامیان در دوره دیکتاتوری را به مدت ۱۵ الی ۲۰ روز تعطیل کنند.

بدنبال شورش نظامیان، ژنرال و ۹ افسر ارتش دیگر از سمت های خود برکنار شده و یا استعفا کردند. راؤل آلغونسین رئیس جمهور آرژانتین در روز یکشنبه ۱۹ آوریل با حضور در پادگان "مایو"

### کشتار هفت کارگر راه آهن توسط پلیس رژیم آپارتاید

هدف از اعتصاب، افزایش دستمزدها و لغو شرایط تبعیض آمیز کار است.

در هفته گذشته همچنین ۲۴ هزار کارگر سیامپوست دو معدن طلا در منطقه ژوهانسبورگ در اعتراض به طرح مدیریت این معدن برای اخراج کارگران دست به اعتصاب زدند. قرار است در این معدن ۲۲۱۰ کارگر از کار اخراج شوند.

در سوتو دهها هزار تن از ساکنان سیامپوست این شهر، محلات مسکونی را تحت کنترل خود گرفتند تا از تخلیه منازل توسط مقامات دولتی جلوگیری کنند. رژیم آپارتاید در صدد است به علت تحریم پرداخت اجاره از سوی ساکنان این محلات، خانواده های سیامپوست را بی خانمان کند.

چهارشنبه گذشته هفت کارگر اعتصابی راه آهن آفریقای جنوبی به ضرب گلوله پلیس رژیم نژادپرست در ژوهانسبورگ کشته شدند. این حادثه زمانی روی داد که پلیس می کوشید اعتصابیون را به زور به کار وادارد.

پیش از آن، شرکت دولتی راه آهن آفریقای جنوبی ۱۸ هزار کارگر اعتصابی را تهدید کرده بود که در صورت عدم بازگشت آنان به کار، اخراج خواهند شد. ۱۶ هزار تن از شرکت کنندگان در اعتصاب به این اتمام حجت واقعی نهادند و شرکت راه آهن این عده را اخراج کرد.

اتحادیه سندیکایی نیرومند "کاتو" اعلام کرد طولانی ترین اعتصاب در بخش خدمات عمومی آفریقای جنوبی را به کل کشور گسترش خواهد داد.

### اخبار کوتاه

● ایزوستیا ارکان دولت شوروی ضمن محکوم کردن چاروچنگال تحریک آمیز مطبوعات آلمان فدرال پیرامون آزادی قریب الوقوع ادعایی رودلف هس معاون هیتلر از زندان، تاکید کرد باید مجازات هس ابد هس تا به آخر اجرا شود و افزود: "این نشانه انسان دوستی واقعی و بهیاد داشتن خاطره میلیونها قربانی جنایات نازی هاست."

● بیش از ۲۰۰ هزار تن از مردم آلمان فدرال و برلین غربی در راهپیمایی های سنتی عید پاک شرکت کردند. این راهپیمایی ها تحت شعار برچیدن سلاحهای هسته ای از اروپا، جلوگیری از انتقال تسلیحات به فضا و پذیرش پیشنهاد های اتحاد شوروی در این رابطه انجام گرفت.

● خبرگزاری تاس گزارش داد ضد انقلابیون افغانی در شب نهم آوریل سال جاری قلمرو اتحاد شوروی را مورد تجاوز قرار دادند. در جریان دفع تجاوز، دو سرباز نیروهای مرزی اتحاد شوروی کشته شدند. تاس تاکید کرد اتحاد شوروی به کمکهای خود به افغانستان ادامه خواهد داد.



● یک گور دسته جمعی که در آن اجساد چهارده تن از قربانیان رژیم پینوشه به خاک سپرده شده بودند، در شمال شیلی کشف شده است. این عده در اکتبر ۱۹۷۲، یک ماه پس از کودتای فاشیستی در شیلی، توسط جوخه های اعدام ارتش به قتل رسیده اند. عکس، گوشه ای از این گور دسته جمعی را نشان می دهد.

## اعلان تاسیس «بانک اطلاعات»

تصرف و در برابر مردم حفاظت شد. اینک رژیم اعلام می‌دارد که قصد استفاده و تکمیل بانک اطلاعات شاه را دارد.

حقیقت اینست که این کار بسیار پیش از این آغاز شده بود. اطلاعات گردآوری شده در این مرکز خیلی زود در خدمت اقدامات سرکوبگرانه و امنیتی رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت. منتهی از وجود چنین مرکزی سخنی به میان نمی‌آمد و در عوض از عنوان‌های نظیر "مرکز اسناد ملی" استفاده می‌شد. هم‌زمان با آن در جهت تکمیل نهائی این پروژه نیز کوشش‌های جدی صورت گرفت.

اما روشن بود که برای رژیم فقها راه اندازی آن بدون همکاری فعال سازمانهای جاسوسی امپریالیستی و حضور کارشناسان آنها غیرممکن بود. تامین این همکاری نیز محتاج به پیشرفت گسترده مناسبات طرفین و در نتیجه مرور زمان بود. زمان طی شد و همکاری طرفین به سطح دلخواهشان فرا رویید، امری که به رغم شعبده‌بازیهای تبلیغاتی سخنگویان رژیم، اینک آشکارتر از همیشه شده است. اینک رهبری اکنون از پیشبرد طرح بانک اطلاعات سخن می‌گوید قبل از هر چیزی به معنای تامین همکاری سازمانهای جاسوسی امپریالیستی و حضور متخصصین آنها در راه اندازی این مرکز اطلاعاتی و امنیتی است.

رژیم جمهوری اسلامی که تا هرآنجا که مقدور بوده تعداد نفرات ارگان‌های سرکوب را افزایش داده است اینک با بهره‌گیری از طرح پیچیده بانک اطلاعات قصد دارد چو چو زندگی و کار آحاد مردم را تحت نظارت درآورد مگر که بتواند از گسترش مبارزه نیروهای انقلابی و از تحکیم پیوند آنان با مردم جلوگیری کند. سرکردگان این رژیم نیز مثل شاه در هراس از خیزش مردم آرام و قرار از کف داده‌اند، اما به رغم همه این تمهیدات - هر چقدر که اهریمنی باشد - سرانجامی چون شاه در انتظارشان است.

حجت الاسلام ری شهری وزیر ساواک رژیم مغفور خمینی در یک سخنرانی در جلسه شورای اداری استان بوشهر، امر تشکیل "بانک اطلاعات" (مرکز کامپیوتری نگهداری اطلاعات امنیتی) را علنی ساخت و خواهان همکاری کلیه دستگاه‌های اجرایی برای پیشبرد آن شد. ری شهری گفت: "باید امنیت نظام را در برابر همه چیز که آن را تهدید می‌کند حفظ کنیم... باید زمینه شد انقلاب و گروهک‌ها را از بین ببریم... برای یافتن این منظور به یک بانک مرکز اطلاعات نیاز است." (کیهان هوائی ۲ اردیبهشت).

در سال‌های ۵۲ - ۵۳ مقارن با تشکیل "کمیته مشترک ضد خرابکاری"، ساواک شاه سرنگون شده طرح تشکیل بانک اطلاعات را مورد توجه قرارداد، با این هدف که مرکزی تشکیل شود که اطلاعاتی در حد امکان گسترده حتی از تمامی احاد کشور در آن ذخیره گردد. این اطلاعات می‌بایست از کارخانه‌ها، ادارات، مراکز آموزشی و... جمع‌آوری و در حافظه کامپیوترها نگهداری شوند و نیروهای امنیتی بتوانند هر زمان به آن‌ها مراجعه کنند. در ارتباط با این هدف، در همان زمان طرح تعویض شناسنامه‌ها نیز مطرح گردید.

ساواک شاه، در سال ۵۴ با کمک شرکتی به نام هانی ول و تحت کنترل و هدایت سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی و بویژه "سیا" اجرای طرح مزبور را آغاز نمود. طبقات زیرزمین مرکز ساواک در سلطنت آباد تهران به محل استقرار کامپیوترها و دستگاه‌های مورد نیاز اختصاص داده شد. محل استقرار کامپیوترها با کاربرت تدابیر ساختمانی در برابر شدیدترین بمباران‌ها آسیب‌ناپذیر گردید. اقدامات امنیتی فوق‌العاده‌ای حتی برای دستیابی کارکنان این محل، به مرکز اصلی آن متداول گشت. تعداد بسیار معدودی از مامورین ساواک اجازه ورود به بانک اطلاعات را داشتند.

پایان عمر حکومت شاه اجازه بهره‌برداری و اتمام کار این طرح را نداد. ساواک خمینی و ارث ساواک شاه و سنت‌ها و ابزار سرکوب آن شد. در همان بدو امر مرکز ساواک سلطنت آباد با همه بایگانی و تجهیزات اتش توسط محارم ویژه سردمداران رژیم فقها

تشکل‌های کارگری جهان فعالانه از مبارزات مردم و کارگران ایران حمایت می‌کنند. در هفته‌های اخیر محکوم کردن ترور و اختناق در ایران توسط کارگران جهان و ابراز نفرت آنان از یورش به سازمان ما جلوه بارزتری یافته است. در شماره گذشته نشریه خبر اعلام همبستگی سندیکای عمومی ایتالیایی کار (CGIL) بزرگترین تشکل کارگری جهان سرمایه‌داری با سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و اعلام نگرانی این

بخشی از این بیانیه در روزنامه اومانیتته ۱۷ آوریل نیز بچاپ رسیده است.

## بیانیه سندیکای عمومی کار (فرانسه) علیه سرکوب و اختناق در ایران

سالم است که ترور در ایران حاکم است. در حالی که جنگ خونین علیه عراق ادامه دارد هزار تن از مخالفین رژیم کثرت آنها به طبقات محروم تعلق دارند قربانی می‌شوند. در زندان‌های ایران که در برگیرنده هزاران تن زندانی می‌باشند شکنجه به امری عادی بدل شده است. خانواده‌های زندانیان قربانیان دائمی پیگرد و سرکوب هستند.

اخیرا مقامات ایرانی خبر دستگیری بیش از ۸۵۰ نفر از اعضای سازمان فداییان خلق را اعلام کرده‌اند. تمامی دستگیرشدگان تحت شکنجه واقع گردیده و تعدادی از آنها در زیر شکنجه کشته شده‌اند. خطری بزرگ جان زندانیان دستگیر شده و همچنین دیگر زندانیان وابسته به سازمان فداییان، حزب بوده ایران، سازمان مجاهدین و یاد دیگر سازمان‌های مقاومت را تهدید می‌کند.

سندیکای عمومی کار (ث. ژ. ت.) که تاکنون بارها نقض آشکار حقوق بشر در ایران را محکوم کرده است، اعتراض خود را در مقابل این سرکوب بربرمشرانه اعلام می‌دارد. سندیکای عمومی کار خواهان پایان دادن به اعدام و شکنجه و همچنین آزادی تمامی زندانیان سیاسی در ایران است.

سندیکای عمومی کار همبستگی عمیق خود را با مبارزات شجاعانه مردم و کارگران ایران جهت برقراری آزادی و حقوق ابتدایی ملذرج در کنوانسیون‌های بین‌المللی، که ایران نیز امضا کننده آنها می‌باشد، و از مبارزات آنها در راه دموکراسی، صلح و عدالت اجتماعی اعلام می‌دارد.

سندیکای عمومی کار حمایت کامل خود را از تصمیمات مجمع عمومی سازمان ملل و همچنین کمیسیون حقوق بشر داور بر قطع فوری تجاوزات خطرناک و مداوم علیه تمامیت فیزیکی و حیثیت و شرف انسان، اعلام می‌دارد و از حق بیان و عمل آزاد، مستقل انسان‌ها دفاع می‌نماید.

۱۵ آوریل ۱۹۸۷ ژوانس گالاند دپیر سندیکای عمومی کار

## ۲۴ آوریل روز قتل عام آرامنه

بین‌المللی، نمایندگان جنبش کارگری بین‌المللی، بویژه بلشویک‌ها را برانگیخت. اما جنایات شوونیست‌های ترک همچنان ادامه یافت.

روز ۲۴ آوریل سالروز آغاز این قتل‌عام وحشیانه است که نابودی یک خلق، یک اقلیت ملی را مدنظر داشت. در روز ۲۴ آوریل ۱۹۱۵ با تبعید و کشتار ۸۰۰ تن از روشنفکران ارمنی قسطنطنیه به دست حکومت بقیه در صفحه ۱۴

در طی جنگ جهانی اول، دولت "ترک‌های جوان"، برای پیشبرد اهداف سلطه‌گراانه و شوونیستی خود، به قتل‌عام گسترده و هولناک آرامنه ساکن ارمنستان غربی دست زد. در طی این قتل‌عام تنها در سال‌های ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ نزدیک به یک و نیم میلیون تن از آرامنه به قتل رسیدند. دولت ترکیه برای پیشبرد این جنایت عظیم، شرایط جنگ جهانی اول را بهانه قرار داده بود. این آدمکشی، اعتراض وسیع جوامع مترقی

**AKSARIYAT**  
NO. 154  
MONDAY APR 27. 87  
Address: آدرس:  
RUZBEH  
POSTFACH 1810  
5100 AACHEN  
W. GERMANY